

مجله بین الملل مهر
سال ششم | شماره ۲۷
مهرماه ۱۳۹۹



یازدهم سپتامبر دروغ بزرگ





۳ پرونده ویژه ۱۱ سپتامبر در گفتگو با نویسندگان غربی

- ۴ دروغی به نام یازدهم سپتامبر / منافی که از حوادث ۲۰۰۱ به دست آمد.....
- ۵ ۱۱ سپتامبر بهانه ای برای سلطه آمریکا بر جهان بود.....
- ۶ مشارکت ساختار دفاعی آمریکا در حادثه ۱۱ سپتامبر.....
- ۸ ۱۱ سپتامبر «پرل هاربر» جدید بود.....



۴۹ پرونده عادی سازی روابط

- ۱۲ دست دوستی منامه و ابوظبی به صهیونیسم؛ سازش، در برابر هیچ.....
- ۱۴ عربستان و وهابیت نقش بارزی در عادی سازی روابط ایفا کرده اند.....
- ۱۵ مسئله فلسطین قابل زدودن از افکار عمومی نیست.....
- ۱۶ پروژه های تل آویو در سایه بیداری ملت ها عملی نخواهد شد.....
- ۱۸ بن زیاد به دنبال تثبیت ریاست خود بر امارات از طریق نجات ترامپ.....
- ۱۹ حاکمان عرب برای نوکری کاخ سفید مسابقه می دهند.....



۲۹ تحولات ایران.....

- ۲۲ تابستان جهنمی آمریکا در سازمان ملل.....
- ۲۴ تحریم شرکت های مرتبط با ایران موجب انزوای بیشتر آمریکا می شود.....
- ۲۵ شکست آمریکا در شورای امنیت قابل پیش بینی بود.....
- ۲۶ تهدیدهای ترامپ تو خالی هستند.....
- ۲۷ چین و روسیه اهداف بعدی واشنگتن در صورت پیروزی آمریکا علیه ایران.....

مجله بین الملل مهر

سال ششم | شماره ۲۷

مهر ماه ۱۳۹۹



● مدیر مسئول: محمد شجاعیان

● شورای سردبیری: محمد مهدی رحیمی و مهدی عزیزی

● دبیر تحریریه: سمیه خمارباقی

● همکاران این شماره: عبدالحمید بیاتی، فاطمه صالحی، رامین حسین آبادیان، مریم خرمائی، سمیه خمارباقی، پیمان یزدانی و زهرا میر ظفر جویان

● شماره تماس: ۴۳۰۵۱۰۰۰ (۰۲۱)
آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد
نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸
کد پستی: ۱۵۹۹۸۱۴۷۱۳

علاقه مندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.



پرونده ویژه ۱۱ سپتامبر در گفتگو با نویسندگان غربی





دروغی به نام یازدهم سپتامبر

منافی که از حوادث ۲۰۰۱ به دست آمد

آن قرار گرفتند.

امروز همه تقریباً به این باور رسیده‌اند که آنچه که در ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد یک رویداد برنامه‌ریزی شده و ساختگی بود تا اهداف مهمی را پیگیری کند.

همراه کردن افکار عمومی آمریکا و همچنین اروپا با ساختار سیاسی به ویژه تصمیم جرج بوش رئیس جمهور وقت آمریکا برای حمله به منطقه و فراهم کردن زمینه‌های نفوذ نظامی آمریکا در خاورمیانه از مهمترین اهداف شکل گیری بودن حوادث ۱۱ سپتامبر به شمار می‌رود.

درست به همین دلیل زمانی که این حادثه به اطلاع جورج بوش رسانده شد واکنش چندانی نشان نداد؛ گویا همه چیز از قبل برنامه‌ریزی شده بود جالب‌تر آنکه چند روز قبل از این حوادث احمد شاه مسعود رهبر محبوب افغان‌ها توسط سرویس‌های امنیتی آمریکا ترور می‌شود یعنی شخصی که می‌توانست در دوران جدید افغانستان به عنوان یک رهبر مورد توافق افغانی‌ها زمام امور را به دست بگیرد.

آمریکا در آن زمان برای توجیه حضور نظامی خود در منطقه که از افغانستان شروع و به عراق و سوریه و دیگر کشورها منتهی شد و البته پایانی هم ندارد نیاز به همراهی افکار عمومی اروپا و آمریکا داشت به ویژه اینکه باید بخش مهمی از بودجه نظامی را صرف لشکرکشی به افغانستان و بعدها عراق می‌کرد

از سویی دیگر حوادث ۱۱ سپتامبر نیز بهانه و توجیه خوبی برای اسلام هراسی و گسترش اسلام ستیزی در آمریکا و اروپا شد تا آنجا که در آن زمان بسیاری از مسلمانان و گروه‌های اسلامی تحت فشار قرار گرفتند.

از طرفی رفتارهای جنایت آمیز جرج بوش و آمریکا در افغانستان نیز با تحریک عواطف و احساسات عمومی اروپا و آمریکا توجیه می‌شد.

آمریکا همچنین برای افزایش سود سهام کارخانه‌های اسلحه سازی خود به این حوادث نیاز داشت. به طور کلی ۱۱ سپتامبر دریچه ورود آمریکایی‌ها به منطقه خاورمیانه اما با یک توجیه منطقی بود البته منطقی که خود آنها ساخته بودند.

اما امروز عامه آمریکایی‌ها به طراحی این حوادث پی برده‌اند و دیگر نیازی به اسناد هم ندارند تا آن را بپذیرند. رفتارهای روسای جمهور بعد از جرج بوش پسر نیز تایید کرد که آنان به دنبال فراهم کردن نفوذ خود در منطقه هستند.

البته طالبان، القاعده و داعش هر کدام در یک وهله زمانی ماموریت‌هایی داشتند که انجام دادند. البته هنوز این ماموریت‌ها به اتمام نرسیده است و ادامه خواهد داشت. عنوان این گروه‌ها تغییر خواهد کرد اما ماموریت و رویکرد یکی است.

ایجاد درگیری‌های داخلی در منطقه به منظور مصروف کردن توان و اشتراکات اسلامی و ایجاد امنیت برای اسرائیل و آمریکا و فرار سرمایه‌ها و نیز غارت ثروت‌های نفتی منطقه مهمترین ماموریت این گروه‌های تروریستی بعد از یازدهم سپتامبر بود.

بی تردید اسلام‌هراسی و ارائه چهره خشن از اسلام با بروز و ظهور مدل‌هایی چون القاعده و طالبان و بعدها داعش مهمترین ماموریت آمریکایی‌ها در منطقه بود به گونه‌ای که یک چهره افراطی از اسلام به جهان غرب معرفی شود تا هم توجیه کشتار مسلمانان و حمله نظامی به خاورمیانه فراهم شود و هم اساس و اصل دین اسلام نیز در بین طرفداران و حتی پیروان آن مورد پرسش واقعی قرار گیرد.

از طرفی آمریکایی‌ها تلاش کردند در کنار ارائه این چهره خشن از اسلام و به قول رسانه‌هایشان، اسلام افراطی یک نمونه‌ای از اسلام سکولار و میانه‌رو را نیز ترویج کنند تا اساس آموزه‌های اسلامی در بین این دو الگو نادیده انگاشته شود.

امروز هر شهروند آمریکایی باید درک کند که قربانی منافع لابی صهیونیستی و سیاستمداران و مالکان کارخانه‌های تسلیحاتی و اسلحه سازی در آمریکاست. باید بدانند که آمریکا حتی به مردم خود هم رحم نمی‌کند چه جرج بوش رئیس جمهور باشد چه اوباما یا انوکشیده، چه ترامپ دیوانه یا شاید هم جو بایدن!؟

در پایان باید به این نکته هم اشاره کرد که تراکم و حجم رسانه‌های وابسته به آمریکا برای توجیه سیاست‌های واشنگتن نیز بعد از یازدهم سپتامبر افزوده شد و سیاست اصلی این شبکه‌ها در ایجاد فتنه‌های دینی و نیز برجسته کردن و مدیریت اختلافات داخلی و به تبع آن توجیه اشغالگری آمریکا در منطقه بود



مهدی عزیزی: با وجود گذشت ۱۹ سال از

حوادث ۱۱ سپتامبر هنوز شبهات زیادی درباره حملاتی که در مرکز نیویورک رخ داد وجود دارد

از ۱۹ سال پیش تا اکنون درباره رویداد یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ نوشتارهای زیادی منتشر شده است.

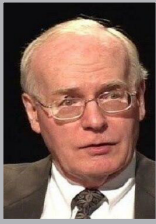
اگر چه در ماهه نخستین اشاره و سخن گفتن از ساختگی بودن این حوادث کار آسانی نبود اما به مرور زمان نگاه تحلیلگران را به خود جلب کرد که آیا می‌شود پذیرفت با وجود اشراف امنیتی آمریکا چنین حادثه‌ای آن هم در مرکز نیویورک رخ دهد؟

آن هم در مهمترین برج‌های تجاری آمریکا؟ به آرامی پرسش‌ها و ابهامات زیادی مطرح شد و البته در کنار آن اسناد زیادی هم به دست آمد که ساختگی بودن این رویداد را نشان می‌داد.

تحلیل کارشناسان که با قراردادن عناصر مختلف به این نتیجه رسیدند هم بی تأثیر نبود.

خاطرم هست که نخستین کتابی که در این باره منتشر شد کتابی با عنوان یازدهم سپتامبر دروغ بزرگ بود که توسط تیری میسان نویسنده فرانسوی نگاشته شد.

من با او در تهران دیدار کردم و ترتیبی اتخاذ شد تا کتاب او در ایران ترجمه و منتشر شود. میسان در آن زمان اعتقاد داشت که برای نگارش این کتاب بشدت تحت فشار قرار گرفته است. البته اشخاص دیگری که درباره دروغ ۱۱ سپتامبر نوشتند نیز تحت فشار آمریکا و سازمان‌های امنیتی



دیوید ری گریفین
نویسنده کتاب
۱۱ سپتامبر و
امپراتوری آمریکا

۱۱ سپتامبر بهانه ای برای سلطه آمریکا بر جهان بود

تا اینکه به همراه «پتر دیل اسکات» کتابی را در سال ۲۰۰۶ تحت عنوان «یازده سپتامبر و امپراتوری آمریکا: روشنفکران سخن می گویند» منتشر کردیم. حمایت دانشگاهی بعد از اینکه ریچارد گیج با مطالعه کتاب من، «معماران و مهندسان برای حقیقت ۱۱ سپتامبر» را تأسیس کرد، افزایش یافت. این سازمان در حال حاضر بیش از ۳۰۰۰ معمار و مهندس (عضو) دارد است که گزارش رسمی تخریب مرکز تجارت جهانی را نادرست می دانند.

● این ادعا که یازده سپتامبر یک حمله تروریستی بوده تا چه میزانی مورد قبول است؟

غالباً این سؤال بدین معناست که «آیا حملات یازده سپتامبر توسط هواپیماربایان مسلمان مهندسی شد؟». پاسخ به این سؤال «نه» است. اما این حملات توسط تروریست‌های غیر مسلمان، به‌ویژه معاون رئیس‌جمهور «ریچارد چنی» و دوستش «دونالد رامسفلد» که وزارت دفاع را عهده‌دار بود، مهندسی شد.

● نقش نومحافظه کاران و سازمان سیا را در حادثه یازده سپتامبر چطور می بینید؟

در مقاله‌ای تحت عنوان «امپریالیسم نئوکان، یازده سپتامبر و اشغال افغانستان و عراق» در این خصوص نوشتم. یازده سپتامبر این امکان را فراهم کرد تا دستور کار سیاسی که توسط نومحافظه کاران در دهه ۱۹۹۰ آماده شده بود، عملیاتی شود. این دستور کار از این قرار بود که ایالات متحده باید از برتری نظامی خود به منظور ایجاد امپراتوری که شامل تمام جهان می‌شد (اصطلاحاً پکس آمریکانا یا صلح آمریکا) استفاده کند. ابزار تحقق این دستور کار «دگرگونی امور نظامی» بود که احتمالاً مدت زیادی طول می‌کشید، مگر اینکه «رویدادی فاجعه‌بار و تسریع‌کننده مانند یک پرل هاربر جدید» رخ می‌داد.

● چه رابطه‌ای میان یازده سپتامبر و طرح خاورمیانه بزرگ وجود دارد؟

افغانستان و عراق قرار بود دو کشور اول در میان هفت کشوری باشند که تغییر نظام در آن‌ها صورت می‌گرفت. دولت اوباما تلاش کرد تا این طرح را در سوریه و لیبی به پایان برساند اما ترامپ تلاش خود را در سوریه ادامه داده است.

● نزدیک به دو دهه از حادثه یازده سپتامبر می‌گذرد و سؤالات بی‌شماری بی‌پاسخ مانده‌اند. به نظر شما، چرا دولت آمریکا برای کشف حقیقت آنچه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد، تعلل می‌کند؟

ایالات متحده هنوز هم در مورد ایده کنترل جهان تسلیم نشده است؛ حقیقت در مورد یازده سپتامبر به‌طور علنی فاش نشده است؛ و افشای حقیقت امید به احیای طرح سلطه جهانی را تضعیف می‌کند.

پروفسور «دیوید ری گریفین» معتقد است که نومحافظه کاران آمریکایی سعی داشتند از یازده سپتامبر به عنوان «پرل هاربری» جدید برای عملیاتی کردن طرح سلطه جویانه ایالات متحده استفاده کنند.

پروفسور دیوید ری گریفین، استاد بازنشسته فلسفه دین و الهیات دانشگاه کلارمونت ایالات متحده است. گریفین آثار متعددی را در قالب مقاله، گزارش و کتاب در مورد یازده سپتامبر منتشر کرده است. «پرل هاربر جدید: سؤالاتی در خصوص دولت بوش و یازده سپتامبر»، «یازده سپتامبر و امپراتوری آمریکا: روشنفکران سخن می‌گویند» و «از قلم افتاده‌ها و با قلم اضافه شده‌های کمیسیون تحقیق ۱۱ سپتامبر» از جمله این آثار اوست که مخاطبان زیادی را در آمریکا و جهان با خود همراه کرده است. نزدیک شدن به سالگرد یازده سپتامبر فرصت خوبی بود تا به بررسی ابعاد این حادثه از دیدگاه این نویسنده و استاد دانشگاه بپردازیم.

بررسی جنبه‌های مختلف کتاب‌ها و مقالات منتشر شده این نویسنده آمریکایی، واکنش‌های رسانه‌های جریان اصلی غربی و محافل دانشگاهی به این آثار، نقش نومحافظه کاران و سازمان سیا در حادثه یازده سپتامبر، رابطه میان این حادثه و طرح خاورمیانه بزرگ و بی‌پاسخ گذاشتن سؤالات متعدد از سوی مقامات آمریکایی از محورهای اصلی گفت‌وگو با دیوید ری گریفین بودند. متن گفتگو در ادامه آمده است:

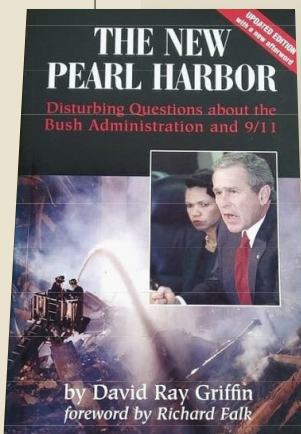
● آثار شما در مورد حادثه یازده سپتامبر توجه بسیاری از مخاطبان در سطح جهان را به خود جلب کرده است. انگیزه شما از نوشتن چنین آثاری چه بوده است؟

در ابتدا، پس از اینکه دلیل خوبی مبنی بر داخلی بودن این حملات پیدا نکردم، تصمیم گرفتم گزارش رسمی حمله یازده سپتامبر را رد کنم؛ اما بعداً اینکه سرانجام مدرک خوبی در مورد دروغ بودن گزارش رسمی یازده سپتامبر دیدم، فهمیدم که این واقعیت از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در آن زمان، برخی کتاب‌های خوبی در مورد یازده سپتامبر وجود داشت اما هیچ‌یک از آن‌ها توسط آمریکایی‌ها نوشته نشده بودند و آمریکایی‌های کمی آن‌ها را می‌خواندند؛ بنابراین تصمیم گرفتم کتابی در مورد آن بنویسم که به «پرل هاربر جدید» تبدیل شد. کتاب‌های بعدی در پاسخ به سؤالات و ادعاهای مطرح شده از سوی مدافعان روایت رسمی نوشته شده‌اند.

● واکنش‌ها به این آثار در میان رسانه‌های جریان اصلی، محافل دانشگاهی، مسئولان و مردم چگونه بوده است؟

رسانه‌های جریان اصلی و اکثر محافل دانشگاهی یا کتاب من را نادیده گرفتند و یا تحت عنوان تئوری توطئه‌ای که با شواهد همراه نیست، به من حمله کردند. این در حالی بود که در یکی از هفته‌های سال ۲۰۰۸، هفته‌نامه بسیار معتبر پابلیشر ویکلی (مجله خبری بین‌المللی نشر و فروش کتاب) کتاب من (پرل هاربر جدید) را به عنوان «انتخاب هفته» برگزید.

کتاب پرل هاربر جدید با حمایت زیادی از سوی دانشگاهیان همراه نبود





مشارکت ساختار دفاعی آمریکا در حادثه ۱۱ سپتامبر



تیری میسان
نویسنده کتاب
۱۱ سپتامبر، دروغ
بزرگ

یری میسان، نویسنده کتاب «یازده سپتامبر: دروغ بزرگ» معتقد است که با گذشت نزدیک به دو دهه پس از یازده سپتامبر، ایالات متحده هنوز هم از افشا شدن حقایق این حادثه جلوگیری می کند.

تیری میسان، پژوهشگر، نویسنده و منتقد فرانسوی است که پژوهش های زیادی را در خصوص یازده سپتامبر انجام داده است. کتاب وی تحت عنوان «یازده سپتامبر: دروغ بزرگ» ابهامات گسترده ای را در خصوص روایت جریان اصلی آمریکا از این حادثه ایجاد کرد. این کتاب که جزو اولین افشاگری ها در خصوص حملات یازده سپتامبر به شمار می رود، توجه بسیاری از مخاطبان و منتقدان را به

خود جلب کرده است. میسان همچنین

یک روزنامه نگار شناخته شده

است که در سال ۱۹۹۴

شبکه بین المللی ول تر

را تأسیس کرد و

در حال حاضر

در سوریه

برای روزنامه الوطن می نویسد

حادثه یازده سپتامبر یکی از وقایع تأثیرگذار در تاریخ معاصر جهان بوده است. هرچند روایت ارائه شده از سوی مقامات و رسانه های جریان اصلی سعی داشته اند آن را یک حادثه تروریستی منتسب به مسلمانان و کشورهای مقابله کننده با آمریکا روایت کنند، اما پس از چندی برخی نویسندگان غربی اقدام به تحقیق و سپس افشای برخی حقایق پشت پرده این واقعه کردند. حقایقی که بسیاری از مخاطبان را نسبت روایت غربی از یازده سپتامبر دچار شک و تردید کرد. نوزدهمین سالگرد حادثه یازده سپتامبر فرصتی بود تا با تیری میسان نویسنده کتاب «یازده سپتامبر: دروغ بزرگ» به بحث و گفت و گو بنشینیم. بررسی انگیزه نویسنده و مواجهه مقامات، محافل دانشگاهی و رسانه ها با اثر او، نقش نوحافظه کاران و سازمان سیا در این حادثه و تعلل غرب در تحقیق از ابعاد مختلف یازده سپتامبر محورهای اصلی گفت و گو با تری میسان بودند. متن مصاحبه به شرح زیر است:

● کتاب شما تحت عنوان «یازده سپتامبر: دروغ بزرگ» توانسته توجهات زیادی را در سطح جهان به خود جلب کند. انگیزه شما از نوشتن این اثر چه بود؟

پیش از این من بر روی سرویس های مخفی ناتو کار می کردم. مانند هر کسی که با این سؤال مواجه شده، تحت تأثیر شباهت هایی قرار گرفتم که بین عملیات های پنهان اتحاد علیه اعضای خود و حملات یازده سپتامبر وجود داشت. از همان روز اول تلاش کردم تا واقعیت را بفهمم.

● رسانه های جریان اصلی غرب، محافل دانشگاهی، مقامات و مردم چه واکنشی نسبت به این کتاب داشتند؟

در هفته پس از انتشار همه واکنش ها مشتاقانه بود. ناگهان روزنامه لوموند مقاله بلند بالایی را منتشر کرد که من را به انکار هولوکاست متهم کرد. مطمئناً هیچ ارتباطی میان جنگ جهانی دوم و یازده سپتامبر وجود ندارد و من هم از برداری اسلاوها و یهودیان سخنی به میان نیاورده بودم. به هر حال، در عرض چند ساعت، پژوهشگران فرانسوی نظر خود را تغییر دادند. کسانی که برای من ایمیل تبریک فرستاده بودند، پیام های دیگری برای من فرستادند تا به من بگویند که دیگر نمی خواهند با من در تماس باشند. از حضور من در رسانه جلوگیری شد، سپس موضوع کارزار اتهام زنی شدم که برای پاسخ دسترسی به رسانه نداشتم. علیه کسانی که به من توهین کردند شکایت کردم اما دادگاه برخلاف قانون گفت که من شایسته این توهین ها هستم! بعد از این به سوی خارجی ها روی آوردم.





مشارکت ساختار دفاعی مشارکت ساختار دفاعی

● شما در سازمان ملل طرحی را برای راه اندازی یک کمیسیون بین المللی به منظور بازخوانی ابعاد مختلف یازده سپتامبر ارائه کردید. این اقدام چه نتایج و دستاوردهایی داشته است؟

من این طرح را با حمایت شیخ خلیفه، حاکم امارات متحده عربی شروع کردم. اما او خیلی سریع مجبور به عقب نشینی شد. پس از حساس کردن بسیاری از سران کشورها مانند هوگو چاوز و فیدل کاسترو، من به دکتر احمدی نژاد برای صحبتش در مجمع سازمان ملل (در این خصوص) توصیه کردم. او تنها گفت که این حادثه یک جنایت بین المللی است که شایسته تحقیقات بین المللی است. همین کافی بود تا در ایالات متحده وحشت ایجاد شود. او باما بلافاصله وارد عمل شد تا اوضاع را آرام کند. واقعیت آن است که کشورها نمی خواهند اعتراض کنند و تسلیم ندانستن حقیقت شده اند. ایالات متحده هنوز هم یک امپراتوری است. اگر اتفاق نظری وجود داشته باشد، موضوع تنها منحصر به یازده سپتامبر نیست بلکه خطر باز شدن این پرونده است.

● نزدیک به دو دهه از حادثه یازده سپتامبر می گذرد و همچنان بسیاری از سؤالات بی پاسخ گذاشته شده اند. به نظر شما چرا ایالات متحده در یافتن حقائق این حادثه تعلل می کند؟

ایالات متحده از روی قصد و هدف نمی خواهد حقایق این حادثه آشکار شود. در صورت روشن شدن حقیقت، اعتبار همه نهادها و کسانی که در غرب این جنایت را پوشانده اند، خدشه دار می شود. دونالد ترامپ هم که قول داده بود تحقیقات را شروع کند، مجبور به تسلیم شد.

● رابطه میان یازده سپتامبر و طرح نو محافظه کران برای حمله به افغانستان و عراق را چگونه ارزیابی می کنید؟

حمله به افغانستان قبل از یازده سپتامبر برنامه ریزی شده بود. نیروهای انگلیسی و آمریکایی پیش از این حادثه در منطقه حاضر بودند. پاکستان سربازانش را در انتظار مداخله جویی آنگلو ساکسون ها آماده کرده بود. برعکس، اشغال عراق درست پس از حملات یازده سپتامبر تصمیم گیری شد. درواقع این دو جنگ بخشی از یک برنامه واحد هستند که توسط وزیر دفاع دونالد رامسفلد طراحی و توسط مشاورش دریاسالار آرتور سربروسکی تئوریزه شد. این موضوع در مورد نابودی تمامی ساختارهای دولتی منطقه به منظور جلوگیری از هرگونه شورشی بود. این طرح در لیبی، سوریه و یمن اجرایی شده است. ایالات متحده که پیش از این تنها با دشمنانش وارد جنگ شده بود، از یازده سپتامبر به طور بی رویه با دشمنان و متحدانش این کار را انجام داده است. درواقع فقط مسئله قرار گرفتن در مکان اشتباه است.

● نقش نو
محافظه کاران و
سازمان سیا در یازده
سپتامبر چه بود؟

در این زمان ممکن نیست مشارکت کنندگان محدودی را با قطعیت نام برد. حداکثر می توان گفت که فلان شخص به نظر نقش داشته است. این طیف، از فرماندهی دفاع هوافضای آمریکای شمالی تا بنیامین نتانیاهو را در برمی گیرد. تنها نکته بی شبهه این است که روایت رسمی که از گروهی از بنیادگرایان در یک غار افغانستان نام برد، کاملاً نادرست است.

● آیا گمان می کنید که حملات یازده
سپتامبر تروریستی بودند؟

تروریسم یک تکنیک نظامی با هدف ترساندن مردم است. از این نظر، یازده سپتامبر یک حمله تروریستی به شمار می رود. در هر صورت این اصطلاح عمدتاً به بنیادگرایان و کسانی اطلاق می شود که توسط دولت بوش متهم شده اند. به وضوح آن ها سپر بلایی برای اهداف آمریکا هستند. حمله یازده سپتامبر فقط با مشارکت «افرادی در سیستم دفاعی ایالات متحده» صورت گرفت



۱۱ سپتامبر «پرل هاربر» جدید بود

متن گفتگو با این نویسنده در ادامه می‌آید:

● امسال نوزدهمین سالگرد حادثه یازده سپتامبر است و هنوز بسیاری از سؤالات و ابهامات در مورد این اتفاق بی‌پاسخ باقی مانده است. به نظر شما چرا ایالات متحده مانع از آشکار شدن حقایق این حادثه می‌شود؟

اگر حقیقت در مورد واقعه یازده سپتامبر رسماً تصدیق می‌شد، مردم آمریکا با اطمینان کامل می‌فهمیدند که رهبران (سیاستمداران برجسته، فرماندهان نظامی و اطلاعاتی، دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران، دانشمندان و مهندسان و غیره) حداقل به صورت منفعلانه‌ای در بدترین قتل‌عام تاریخ آمریکا و سرپوش نهادن بر آن شریک هستند. آن‌ها می‌فهمیدند که معاون رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، دیک چنی و وزیر دفاع، دونالد مستفلد نقش برجسته‌ای در این قتل‌عام بازی کردند.

آن‌ها می‌فهمیدند که اسرائیل و عاملان جرائم سازمان‌یافته آن، از جمله عاملان عملیاتی نظیر مأمور اطلاعات ارتش اسرائیل، جفری ایستین و همچنین استراتژیست‌های نتوکان، مهار سیاست‌های خصمانه ایالات متحده را به دست گرفتند و موفق شدند.

آن‌ها می‌فهمیدند که ملتشان، میلیون‌ها نفر را بر اساس یک دروغ به قتل رساند. می‌فهمیدند که رهبران ایالات متحده، فضایل حقیقت و عدالت را تحقیر می‌کنند. به صورت خلاصه، آن‌ها مجبور به مقابله با شکست کامل اخلاقی کل طبقه حاکم خود می‌شدند. نتیجه می‌توانست یک انقلاب و یا انفجار اجتماعی باشد.

اکثر آمریکایی‌ها با موقعیت‌های معتبر وزندگی‌های راحت نمی‌خواهند این نوع از بی‌ثباتی اجتماعی را تجربه کنند. آن‌ها برای راحتی شخصی خود، بیشتر از حقیقت و عدالت ارزش قائل هستند؛ بنابراین اساساً کل ساختار قدرت از سیاستمداران گرفته تا دستگاه قضاییه و طبقه علمی تصمیم گرفته‌اند تا نگاهشان

«کوبین برت» معتقد است که نومحافظه کاران آمریکا، یازده سپتامبر را خلق کردند تا از طریق آن افکار عمومی را با طرح‌های سلطه گرایانه خود همراه کنند.

میر محمد اسماعیلی: دکتر «کوبین برت»، استاد دانشگاه، نویسنده و روزنامه‌نگار آمریکایی است که دکتری خود در رشته مطالعات اسلامی و جهان عرب کسب کرده است. این استاد آمریکایی یکی از مشهورترین منتقدان سیاست‌های جنگ‌طلبانه آمریکا به شمار می‌رود. وی یکی از بنیان‌گذاران اتحاد مسلمانان، یهودیان و مسیحیان برای افشای حقیقت ۱۱ سپتامبر است.

دکتر برت به شکل گسترده‌ای در سرتاسر آمریکا، کانادا و برخی کشورهای اروپایی و در کالج‌ها و دانشگاه‌های مهمی چون سان‌فرانسیسکو، پاریس و ویسکانسین مدیسن تدریس کرده است. او همچنین کتاب‌های مختلفی را در افشای حقایق حادثه یازده سپتامبر منتشر کرده که «جهاد حقیقی: مبارزه حماسی من بر ضد دروغ بزرگ ۱۱ سپتامبر» از جمله آن‌هاست.

با گذشت دو دهه از یازده سپتامبر هنوز هم بسیاری از سؤالات و ابهامات در خصوص این واقعه بی‌پاسخ مانده است. هرچند نویسندگان مختلفی در کشورهای مختلف از جمله آمریکا تلاش کرده‌اند تا زوایای ناگفته شده از این حادثه را مورد بررسی و کنکاش قرار دهند، اما این نویسندگان با واکنش‌های جدی رسانه‌های جریان اصلی و مقامات غربی مواجه شده‌اند. یکی از این نویسندگان دکتر کوبین برت است که فعالیت‌های گسترده‌ای را برای افشای حقیقت یازده سپتامبر انجام داده است. به‌منظور بررسی آرا و نظرات این استاد دانشگاه و نویسنده آمریکایی با او به گفت‌وگو نشستیم.



کوبین برت
نویسنده آمریکایی





نزدیکی با جرائم سازمان یافته دارد، آن ۱۹ مرد جوانی را که بعدها به دروغ برای یازده سپتامبر مقصر شناخته شدند، آموزش داد. پس از یازده سپتامبر، بوش و سیا جشن مهمانی را در مقر سازمان برپا کردند که جزییاتش موجود است. اندکی پس از آن، یک مقام بلندپایه سیا مدعی شد که وقتی غبارها کنار رود، یازده سپتامبر نه به عنوان یک شکست اطلاعاتی، بلکه یک موفقیت اطلاعاتی تلقی خواهد شد.

● چه رابطه میان یازده سپتامبر و طرح نئوکان ها برای خاورمیانه بزرگ وجود دارد؟

نئوکان ها فهمیدند که عموم مردم آمریکا تنها زمانی از جنگ حمایت می کنند که خود را زیر حمله گسترده ببینند. مدل آن ها پرل هاربر بود. پیش از ۷ دسامبر ۱۹۴۱، تقریباً ۸۰٪ مردم آمریکا با ورود به جنگ جهانی دوم مخالفت می کردند. در ۸ دسامبر ۱۹۴۱، ۹۰٪ از ورود به جنگ حمایت کردند. بزرگترین تغییر در افکار عمومی که تاکنون ثبت شده به معنای واقعی کلمه یک شبه اتفاق افتاده بود. نئوکان ها در سال ۲۰۰۱ با چالش روابط عمومی دشوار مشابهی روبرو شدند. آن ها به دنبال مجموعه ای از جنگ های شکستن تمیز بودند تا از این طریق خاورمیانه را به نفع اسرائیل بازسازی کنند.

به صورت ویژه آن ها قصد داشتند عراق و افغانستان را اشغال کنند تا ایران را که بزرگترین تهدید برای اسرائیل محسوب می شود، محاصره و به آن حمله یا آن را فلج کنند. فیلیپ زلیکوف، فیلم نامه نویس عملیات دروغین یازده سپتامبر، یک بار اعتراف کرد که منافع اسرائیل، نه آمریکا، با مسئله اصلی مواجه است: «چرا عراق می بایست به آمریکا حمله می کرد یا از سلاح هسته ای علیه ما استفاده می کرد؟» من به شما خواهم گفت تهدید واقعی [چیست] و از سال ۱۹۹۰ تاکنون وجود داشته است - این تهدید علیه اسرائیل است. این تهدیدی است که جرئت نمی کند نام خود را بر زبان بیاورد زیرا ... دولت آمریکا خیلی نمی خواهد با لفاظی به آن تکیه کند زیرا این یک فروش عمومی نیست.»

تنها راه برای تبدیل جنگ های شکستن تمیز به یک «فروش عمومی»، به صحنه بردن یک پرل هاربر جدید بود. این به معنای ایجاد این توهم در مردم آمریکا بود که دشمنان اسرائیل را به عنوان دشمنان خودشان تصور کنند. یازده سپتامبر پرل هاربر جدید بود.

را از واقعیت یازده سپتامبر ۲۰۱۱ دور نگه دارند. چیزی که آن ها قادر به درک آن نیستند این است که با بر باد دادن اعتبارشان در نزد عموم مردم، زمینه را برای سقوط اجتماعی آماده می کنند که بسیار بدتر از فروپاشی اجتماعی در حالتی است که با شجاعت با حقیقت روبه رو شده و عواقب آن را می پذیرفتند.

● به نظر شما می توان حادثه یازده سپتامبر را یک حمله تروریستی نامید؟

به طور واضح یازده سپتامبر یک حمله تروریستی بود. کسانی که تخریب کنترل شده مرکز تجارت جهانی را سازمان دهی کردند تقریباً ۳۰۰۰ غیرنظامی را به قتل رساندند. تعریف تروریسم «هدف قرار دادن غیرنظامیان برای اهداف سیاسی» است، بنابراین قاتلان دسته جمعی یازده سپتامبر تروریست بودند. سؤال این است که کدام تروریست ها؟ و پاسخ این است: بدترین تروریست های جهان، یعنی تندروها در دولت های ایالات متحده و اسرائیل.

همان طور که در اثر جاسکی و ولتچک تحت عنوان «تروریسم غربی» به صورت مستند آمده، دولت ایالات متحده از زمان جنگ جهانی دوم حدود ۶۰ میلیون غیرنظامی را به قتل رسانده است. از سوی دیگر اسرائیل اساساً یک کشور تروریستی است و موجودیت آن بر تخریب مداوم جمعیت غیرنظامی فلسطین بنیان نهاده شده است. این امر همان طور که در کتاب توماس سوارز تحت عنوان «دولت ترور: چگونه تروریسم، اسرائیل مدرن را ایجاد کرد» مطرح شده، پیشگام همه تکنیک های تروریسم است.

● نقش محافظه کاران و سازمان سیا تا چه میزانی در حادثه یازده سپتامبر برجسته است؟

فکر می کنم که نومحافظه کاران نقشی اساسی داشتند. آن ها نویسندگان فکری این جنایت بودند. درواقع، از دیدگاه نومحافظه کاران اشتراوسی، یازده سپتامبر تحسین برانگیزترین اقدامی است که می توان تصور کرد. اگر یازده سپتامبر وجود نداشت، نومحافظه کاران باید آن را به وجود می آوردند. در حقیقت، بدون آن ها یازده سپتامبری وجود نداشت؛ تقریباً چهار دهه است که هیچ هواپیمارایی موفق در ایالات متحده آمریکا انجام نشده است. احتمال موفقیت یک هواپیمارایی در سال ۲۰۰۱ آمریکا صفر بود.

احتمال برخورد خلبانان غیرحرفه ای با سرعت تقریباً ۶۰۰ مایل در ساعت در سطح دریا نیز به همین ترتیب نزدیک به صفر بود و احتمال اینکه عملاً تمام مرکز تجارت جهانی به ذرات زیر ۱۰۰ میکرون تبدیل شود، دقیقاً صفر بود. بنابراین، از آنجایی که این اتفاق نمی توانست به وقوع بپیوندد، نئوکان ها آن را ایجاد کردند. شگفت آور آن که همه باور کردند که چنین واقعه غیرممکنی، اتفاق افتاده بود.

به نظر می رسد برخی از عناصر سازمان سیا نیز در یازده سپتامبر مشارکت داشته اند. به طور خاص آن دسته از عناصر سازمان که ۱۵ نفر از ۱۹ فریب خورده را از عربستان سعودی به ایالات متحده آوردند. این ۱۵ مرد جوان همه سرمایه های سیا بودند و آن ها با «ویزاهای جاسوسی» سیا به ایالات متحده آمدند - ویزاهای ویژه ای که برای پاداش به سرمایه های سیا برای خدماتشان استفاده می شود.

موساد اسرائیل که مانند بخش هایی از سازمان سیا ارتباط





پرونده عادی سازی روابط





دست دوستی منامه و ابوظبی به صهیونیسم؛

سازش در برابر هیچ

آل خلیفه و آل نهيان در حالی تن به سازش با رژیم صهیونیستی دادند که در نهایت این سازش کوچکترین رهاوردی برای آنان نداشت، زیرا آنها علیرغم ادعاهایشان نتوانستند از تل آویو هیچ امتیازی بگیرند. رامین حسین آبادیان: مقامات بحرین، امارات متحده عربی، رژیم صهیونیستی و آمریکا سه شنبه شب طی مراسمی در کاخ سفید توافقنامه سازش موسوم به «توافقنامه صلح آبراهام» را امضا کردند. هدف از امضای این توافقنامه، عادی سازی روابط دوجانبه میان ابوظبی - تل آویو است. در این مراسم، «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا به همراه «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی و وزرای خارجه امارات متحده عربی و بحرین شرکت داشتند. ترامپ در سخنانی در این مراسم گفت: از وزیر خارجه امارات و وزیر خارجه بحرین متشکرم. اینجائیم تا برای تغییر مسیر تاریخ گرد هم آئیم و روز جدید خاورمیانه را جشن بگیریم. قدم بزرگی را به سوی صلح و موفقیت برداشتیم. این مقامات، تا دقایقی دیگی توافق صلحی را امضا می کنند که در تاریخ بی سابقه بوده است!

وی افزود: اسرائیل، امارات و بحرین سفارتخانه هایشان را تأسیس و سفرای خود را مبادله خواهند کرد. آنها در حوزه های مختلفی با هم همکاری خواهند کرد. این توافق باعث می شود تا مسلمانان با آرامش در مسجد الاقصی عبادت کنند! ترامپ در ادامه ادعا کرد: این توافقات یک صلح جامع را در منطقه شکل می دهد؛ کاری که بعضی ها فکر می کردند دست یافتنی نیست؛ من به خاطر دستیابی به این دستاورد بزرگ، تبریک می گویم

امضای توافق سازش با رژیم صهیونیستی واکنش های متعددی را در سطح منطقه به دنبال داشت. در همین ارتباط، «محمد علی الجوئی» رئیس کمیته عالی انقلاب یمن خطاب به کشورهای حامی عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی گفت: به این کشورها توصیه می کنم که در این اقدام ذلت بار و توهین آمیزشان بازنگری کنند. وی افزود: این کشورها دست کم با فرزندان امت خود به صورت مسالمت آمیزی رفتار کنند.

افزون بر این، «شیخ حسین الدیهی» نایب رئیس جمعیت «الوفاق» بحرین به امضای توافقنامه های سازش با رژیم صهیونیستی در کاخ سفید واکنش نشان داد. وی در این خصوص گفت: با امضای توافقنامه های سازش با رژیم صهیونیستی یک جنایت تاریخی اتفاق افتاد. نایب رئیس جمعیت الوفاق بحرین یادآور شد: رژیم هایی که در مسیر عادی سازی روابط با صهیونیسم گام برداشتند مرتکب یک جنایت شدند زیرا با اقدام خود در واقع تلاش کردند به صهیونیست ها مشروعیت بخشند.

نکته قابل تأمل در خصوص توافقنامه سازش با رژیم صهیونیستی این است که نه تنها گروه های مقاومت فلسطین از جمله حماس و جهاد

اسلامی مخالفتشان با آن را اعلام کردند، بلکه اردوگاه سازش یعنی تشکیلات خودگردان نیز قویا این توافق را رد کرده است. مقامات مختلف تشکیلات خودگردان فلسطین از جمله «محمود عباس»، «ریاض المالکی» و «صائب عریقات» تاکنون بارها و در مناسبت های مختلف اعلام کرده اند که توافق اعراب با صهیونیست ها را مردود می دانند

این بدان معناست که اقدام کنونی آل خلیفه و آل نهيان در عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی حتی در اردوگاه سازش نیز هیچ حامی ای ندارد. پیشتر نیز برخی گزارش های رسانه ای حاکی از آن بودند که سعودی ها و اماراتی ها پیشنهادات مالی هنگفتی را به تشکیلات خودگردان در قبال پذیرش عادی سازی روابط با صهیونیسم، به آن ارائه کرده اند. با تمامی اینها، تشکیلات خودگردان همچنان در صف مخالفان عادی سازی روابط اعراب با تل آویو است.

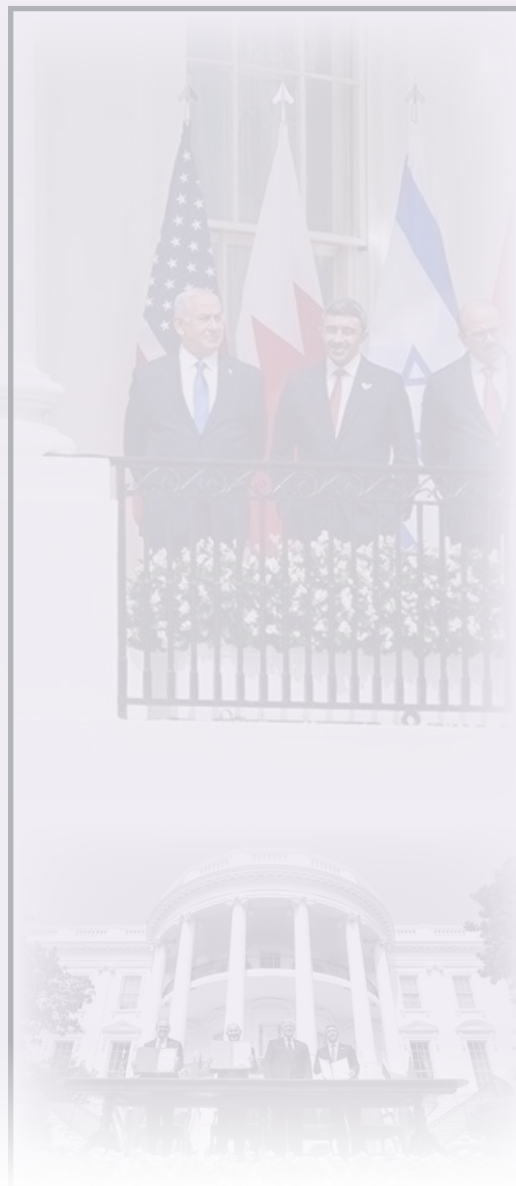
رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در حالی در مراسم امضای توافقنامه سازش با رژیم صهیونیستی تلاش کرد تا از آن به عنوان یکی از مؤلفه های مهم صلح و ثبات در منطقه یاد کند که اساسا هیچ گونه سنجی میان «صلح و ثبات» از یک سوی و «موجودیت رژیم صهیونیستی» از سوی دیگر وجود ندارد. این بدان معناست که صهیونیست ها تداوم موجودیت خود در منطقه را همواره در بی ثباتی و نا امنی جستجو کرده اند.

از همین روی، پُر واضح است که توافقنامه سازش با رژیم صهیونیستی نه تنها صلح و ثبات را در منطقه به ارمغان نخواهد آورد، بلکه زمینه های افزایش هرج و مرج، نا امنی ها و تنش ها را نیز فراهم خواهد کرد. با تمامی اینها، رئیس جمهور آمریکا تلاش می کند با گرفتن یک ژست حقوق بشری و حمایت شفاهی از برقراری صلح در منطقه و جهان، در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در این کشور دستاوردی برای خود کسب کند.



و بحرینی با صهیونیست‌ها بیانگر مواضع خود آنهاست و نه ملت‌های عرب. در طول مدت زمان گذشته مردم بسیاری از کشورهای عربی با برگزاری سلسله تظاهرات گسترده مخالفت آشکار خود با روابط با تل آویو را اعلام کردند. مردم بحرین نیز اخیراً با برگزاری تظاهرات در نقاط مختلف این کشور ضمن سر دادن شعار «مرگ بر اسرائیل» خواهان قطع روابط آل خلیفه با این رژیم شدند.

بنابراین، حکام سرسپرده عرب در خیانتی که به فلسطینیان و مسأله فلسطین کردند نه از حمایت‌های مردمی برخوردارند و نه در اردوگاه سازش دارای حامی هستند. آنها از این واقعیت غافل شده‌اند که «دونالد ترامپ» همچون عربستان به آنها نیز به عنوان گاوی می‌نگرد که باید شیرشان دوشیده شود.



بر اساس آنچه که گفته شد، آل نهیان و آل خلیفه یک امتیاز و خدمت مجانی را به «دونالد ترامپ» ارائه کردند. آنها بابت چنین امتیاز بزرگی نتوانستند کوچک‌ترین دستاوردی برای خود خلق کنند. اماراتی‌ها که از مدت‌ها پیش به دنبال خرید جنگنده‌های «اف ۳۵» از رژیم صهیونیستی بودند حتی با امضای توافق سازش نیز نتوانستند نظر مثبت تل آویو برای فروش این جنگنده‌ها را جلب کنند.

بنابراین، کاملاً واضح است که آمریکا و رژیم صهیونیستی در برهه کنونی از مقامات اماراتی و بحرینی تنها به عنوان ابزاری جهت تحقق اهداف و مقاصد خود بهره برداری کرده‌اند و هیچ امتیازی نیز در عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی به آنها نداده‌اند. به نظر می‌رسد که سران آل خلیفه و آل نهیان همچنان در رؤیای تحقق وعده‌های اقتصادی «بنیامین نتانیاهو» به آنها، سیر می‌کنند.

در هر صورت، آنچه که سه شنبه شب در کاخ سفید اتفاق افتاد در واقع علنی سازی روابط با رژیم صهیونیستی بود تا عادی سازی آن. علت این مسأله هم آن است که اماراتی‌ها و بحرینی‌ها از مدت‌ها پیش تاکنون روابط مخفیانه ای را در سطوح گوناگون با صهیونیست‌ها داشته‌اند اما هیچگاه جسارت آشکار ساختن این مناسبات را نداشتند. لذا اتفاقی که در کاخ سفید رخ داد، علنی ساختن روابط چندین و چند ساله سران آل خلیفه و آل نهیان با رژیم صهیونیستی بود.

این نکته را نیز نباید فراموش کرد که علنی سازی روابط حکام اماراتی



طراد حماده
وزیر کار سابق لبنان

عربستان و وهابیت نقش بارزی در عادی سازی روابط ایفا کرده اند

نخستین منبع قدرت ملت فلسطین این است که موضوع فلسطین یک قضیه عادلانه است. وحدت میان فلسطینیان و دفاع گروههای فلسطینی از آرمانهای فلسطین و مقاومت در راه آزادسازی اراضی اشغالی دومین منشأ قدرت فلسطینیها به شمار می رود. مادامی که فلسطینیها با یکدیگر متحد هستند کسی نمی تواند فلسطین را بفروشد و حقوق ملت آن را تضییع کند. وحدت، شرط موفقیت قضیه فلسطین است.

● آیا عادی سازی روابط، معامله قرن و طرح الحاق کرانه باختری با موفقیت از سوی رژیم صهیونیستی به انجام خواهد رسید؟

بدون شک مقاومت علیرغم تمامی توطئهها پیروز خواهد شد زیرا برحق است. مقاومت قادر به نابودی توطئهها و پروژههای دشمنان و هم پیمانانشان است. امت عربی و اسلامی برای مقابله با عادی سازی روابط، معامله قرن و طرح الحاق کرانه باختری و دیگر برنامههای مربوط به نابودی قضیه فلسطین از توانمندیهای عیدیه ای برخوردار هستند.

● نقش ملت ها را در مقابله با توطئه های صهیونیستی به ویژه عادی سازی روابط چگونه می بینید؟

همانطور که گفتیم مقاومت نقش اساسی در این زمینه ایفا می کند و ملت های آزاده مادامی که اراده کنند می توانند به هر آنچه می خواهند دست یابند و آن را محقق کنند. رژیم های عربی مزدورانی بیش نیستند. رژیم بحرین به یاری خدا رو به سقوط است زیرا ملت عزیز بحرین حمایت تمامی مسلمانان جهان را دریافت خواهد کرد تا حقیقت رژیم مستبد متجاوز مزدور و وابسته در بحرین و همچنین دیگر رژیم های مشابه عربی را نمایان کند. این رژیم ها در نهایت بهای اقدامات خود را خواهند پرداخت.

وزیر کار سابق لبنان در واکنش به روی آوردن کشورهای عربی به عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی گفت که عربستان و وهابیت نقش بارزی در عادی سازی روابط ایفا کرده اند.

سرمیه خمار باقی: مقامات بحرین، امارات متحده عربی، رژیم صهیونیستی و آمریکا هفته گذشته طی مراسمی در کاخ سفید توافقنامه سازش موسوم به «توافقنامه صلح ابراهام» را امضا کردند. هدف از امضای این توافقنامه، عادی سازی روابط دوجانبه میان ابوظبی - تل آویو است. در این مراسم، «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا به همراه «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی و وزرای خارجه امارات متحده عربی و بحرین شرکت داشتند امضای توافق سازش با رژیم صهیونیستی واکنش های متعددی را در سطح منطقه به دنبال داشت. در همین رابطه گفتگویی را با طراد حماده وزیر کار اسبق لبنان ترتیب دادیم که از نظر می گذرد:

● دلایل روی آوردن برخی کشورهای عربی به سازش با رژیم صهیونیستی چیست؟

از زمان امضای توافقنامه کمپ دیوید میان مصر و رژیم صهیونیستی در زمان انور سادات رئیس جمهور وقت مصر، برخی رژیم های مستبد و وابسته به آمریکا و کشورهای اروپایی روند سازش با دشمن صهیونیستی را در پیش گرفتند. رژیم های عربی دارای نفت و گاز از آن زمان تاکنون دارای روابط پنهانی با تل آویو بودند و گاهی آن را به صورت علنی انجام می دادند. در این میان عربستان سعودی و وهابیت نقش بارزی در این رابطه ایفا کرده اند. از سوی دیگر برخی کشورهای عربی با دشمن دانستن ایران و مقابله با آنچه که از آن به عنوان ایران هراسی یاد می شود به دشمن صهیونیستی نزدیک شده اند. سازش با رژیم صهیونیستی خیانت به قضیه فلسطین است و باعث غارت ثروت ها و منابع جهان عرب و تشدید استبداد و قلع و قمع و سرکوب می شود. این موضوع همچنین به رشد گروه های تکفیری و هجوم آنها به کشورهای اسلامی و عربی منجر می شود.

❖ به نظر شما تقویت وحدت ملی میان فلسطینیان برای مقابله با پروژه های رژیم صهیونیستی تا چه حد حائز اهمیت است؟



نادر انتصار

استاد دانشگاه آلاباما
آمریک

مسئله فلسطین قابل زدودن از افکار عمومی نیست

موضوع جنگنده به نوعی مطرح می‌شود که افکار عمومی به معامله امارات با آمریکا بر سر جنگنده منحرف شود و نه الحاق کرانه باختری. ارزیابی شما چیست؟

امارات باید برای عادی کردن روابطش با اسرائیل، دستاوردهایی را به مردم نشان دهد. رژیم حاکم در امارات بخوبی می‌داند که نه مایل است و نه می‌تواند جلوی الحاق کرانه باختری از سوی اسرائیل را بگیرد. بنابراین با تبلیغات در مورد خرید جنگنده «اف ۳۵» امیدوار است که افکار عمومی را منحرف کند. البته اگر کنگره آمریکا فروش جنگنده «اف ۳۵» به امارات را تصویب نکند؛ ضربه محکمی به آبروی رژیم امارات وارد خواهد شد.

● در میان کشورهای عربی، چرا در این مقطع، امارات گزینه روند عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی بوده است؟

امارات سال‌ها است که روابط گسترده‌ای با اسرائیل ایجاد کرده است. در این مورد روابط امارات با اسرائیل در برخی از موارد عمیق‌تر از روابطی است که کشورهای اردن و مصر با اسرائیل داشته‌اند. لذا جای تعجب نیست که امارات متحده عربی در این مقطع زمانی گزینه روند عادی سازی روابط اعراب و اسرائیل شده است.

● برخی استدلال می‌کنند که با ثروتمند شدن کشورهای حاشیه خلیج فارس طی سالهای گذشته و ارتباطات نزدیک آنها با کشورهای غربی به ویژه آمریکا، موضوعات محوری جهان عرب از جمله «پان عربیسم» و مسئله فلسطین و غیره، اساساً از دستور کار کشورهای جهان عرب خارج شده است؛ چون کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به خاطر ساختار جمعیتی و بافت فرهنگی اساساً این موضوعات پرایشان اولویت ندارد. حتی کشورهایی چون مصر یا اردن نیز به لحاظ مالی وابسته به کشورهای حاشیه خلیج فارس هستند و در راستای سیاست‌های آنها گام بر می‌دارند. چقدر با این ارزیابی موافق هستید؟

من با این ارزیابی تا حد زیادی موافق هستم. شکی نیست که امروز «پان عربیسم» و فلسطین از دستور کار کشورهای جهان عرب خارج شده‌اند. حتی سازمانی مانند اتحادیه عرب به نهادی پوشالی و مسخره تبدیل شده است. گرچه در زمان کنونی، «پان عربیسم» به عنوان پدیده‌ای که از نظر سیاسی اعراب را متحد می‌کرد به زیاده دان تاریخ سپرده شده است. ولی فلسطین هنوز در میان افکار عمومی اعراب موضوع مهمی است. اگر رهبران کشورهای عربی خیال می‌کنند که می‌توانند تا ابد بحران فلسطین را نادیده بگیرند و آن را زیر خاکستر پنهان کنند؛ مرتکب اشتباه بزرگی شده‌اند.

پروفسور نادر انتصار می‌گوید امارات در توجیه رابطه با تل‌آویو به دنبال عرضه نوعی دستاورد است و از آنجا که الحاق کرانه باختری منتفی نخواهد شد؛ برای فریب مردم، طرح خرید جنگنده را پیش کشیده است.

مریم خرمائی: مسئله عادی سازی روابط میان امارات و رژیم صهیونیستی

همچنان توجه بسیاری از تحلیل‌گران را به خود جلب کرده است؛ توافقی که بیانگر خیانت کشورهای عربی به آرمان فلسطین به شمار می‌رود. از سوی دیگر یکی از ادعاهای امارات برای امضای این توافقنامه، توقف طرح الحاق بخش‌هایی از کرانه باختری به اراضی اشغالی است؛ این در حالیست که رژیم صهیونیستی از عدم توقف این طرح خبر داده است. مسئله فروش جنگنده‌های اف ۳۵ از سوی آمریکا به امارات و عملی شدن و یا نشدن این معامله که بخشی از توافق میان امارات و رژیم صهیونیستی بوده نیز مورد توجه تحلیلگران سیاسی قرار گرفته است. این مسئله تبدیل به نقطه اختلافی میان دو طرف شده است.

در همین راستا خبرنگار مهر گفتگویی با پروفسور «نادر انتصار» رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلاباما جنوبی انجام داده است که مشروح آن در ادامه می‌آید.

● در حالی بحث فروش جنگنده «اف ۳۵» آمریکایی به امارات مطرح شده که این موضوع به عنوان بخشی از توافق عادی سازی روابط میان ابوظبی-تل‌آویو مطرح می‌شود. به نظر شما این ارزیابی درست است؟ آیا آمریکا حاضر می‌شود این جنگنده‌ها را به امارات بدهد؟

چند سالی می‌شود که آمریکا بحث فروش جنگنده «اف ۳۵» به امارات را مطرح کرده است و این موضوع به دوران قبل از ترامپ برمی‌گردد. ولی در گذشته، تعداد زیادی از نمایندگان در کنگره آمریکا مخالف فروش جنگنده «اف ۳۵» به امارات بودند. گرچه این مخالفت هنوز هم وجود دارد ولی امارات امیدوار است که با کمک اسرائیل و لابی این کشور بتواند از مانع کنگره عبور کرده و خرید جنگنده «اف ۳۵» را بخشی از توافق عادی سازی رابطه با اسرائیل و در چارچوب تقویت سیاست ضد ایرانی محور غربی-عربی-عبری ارائه بدهد.

● برخی معتقد هستند که طرح فروش جنگنده «اف ۳۵» در ازای عادی سازی روابط ابوظبی با تل‌آویو، با هدف فریب افکار عمومی انجام می‌شود چرا که در ابتدا امارات عنوان کرده بود که عادی سازی روابط با تل‌آویو را در ازای عدم الحاق کرانه باختری از سوی رژیم صهیونیستی پذیرفته است. این در حالی است که صهیونیست‌ها این ادعا را رد می‌کنند. یعنی



حازم قاسم
سخنگوی جنبش
حماس

پروژه‌های تل آویو در سایه بیداری ملت‌ها عملی نخواهد شد

سخنگوی جنبش حماس اعلام کرد که گروه‌های فلسطینی به دنبال تقویت اتحاد داخلی و کنار گذاشتن اختلافات برای مبارزه با طرح‌ها و نقشه‌های رژیم صهیونیستی هستند.

فاطمه صالحی: پس لرزه‌های خیانت امارات به امت عربی و اسلامی و توافق با رژیم صهیونیستی بر سر علنی کردن روابط پنهان خود همچنان ادامه دارد.

این در حالیست که ملت‌های عربی و جریان‌های آزاده در منطقه و در جهان عرب به شدت مخالفت خود را با چنین اقداماتی که به نفع آمریکا و رژیم صهیونیستی در شرایط کنونی منطقه است اعلام کرده‌اند. در این میان، گروه‌های فلسطینی تلاش دارند تا از طریق برگزاری نشست‌های مشترک و فراگیر، با کنار گذاشتن اختلافات خود، اتحاد داخلی را در برابر نقشه‌های رژیم صهیونیستی تقویت کنند. در همین راستا خبرنگار مهر مصاحبه‌ای انجام داده است با «حازم قاسم» سخنگوی جنبش حماس که مشروح آن در ادامه می‌آید.

● **اخیراً اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس بعد از سفر به لبنان که طی ۲۷ سال گذشته بی سابقه بوده با سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله در بیروت دیدار داشته است. این دیدار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

دیدار اخیر اسماعیل هنیه با سید حسن نصرالله در بیروت یک دیدار مهم به شمار می‌رود و معتقدم که این دیدار نتیجه بخش بوده و در راستای تقویت روابط میان حزب الله و جنبش حماس صورت گرفته است به ویژه آنکه پیوندهای مشترکی در خصوص مقاومت در برابر صهیونیست‌ها، جنبش حماس و حزب الله را به هم گره می‌زند. ما به دنبال تقویت محور مقاومت و ایستادگی در برابر سیاست‌های اشغالگرانه صهیونیست‌ها چه در خاک فلسطین و چه در خاک دیگر کشورهای عربی هستیم. همچنین می‌خواهیم در برابر طرح معامله قرن که اساساً، مقاومت با تمام شکل‌های آن را هدف قرار داده، بایستیم. حزب الله و حماس پیوندهای مشترکی در خصوص مبارزه با عادی سازی روابط که برخی کشورهای عربی به دنبال آن هستند دارند و هر ۲ آنها معتقدند که عادی سازی روابط برای آرمان فلسطین و امنیت ملی کشورهای عربی یک خطر بزرگ به شمار می‌رود. هدف ما در مبارزه با اشغالگری‌های صهیونیست‌ها مشترک است و روابط مستحکمی با حزب الله داریم و آماده‌ایم این روابط را در راستای خدمت رسانی به جریان مقاومت در منطقه تقویت کنیم. دیدار هنیه و سید حسن نصرالله در راستای تقویت روابطی صورت گرفته است که باید در مراحل آتی مستحکم‌تر شود.

● **به تازگی یک نشست فراگیر با حضور دبیران کل گروه‌های فلسطینی در رام الله و بیروت برای بررسی راه‌های مبارزه با رژیم صهیونیستی برگزار شده است. این نشست را تا چه حد در روند تقویت اتحاد داخلی میان گروه‌های فلسطینی تأثیرگذار می‌دانید؟**

در خصوص نشست دبیران کل گروه‌های فلسطینی باید بگویم که جنبش حماس با قدرت از برگزاری چنین نشست‌هایی استقبال می‌کند و از زمان رونمایی از طرح معامله قرن و الحاق کرانه باختری برای تقویت همکاری‌های داخلی مشترک میان گروه‌های فلسطینی تلاش کرده است. نتایج مثبت این نشست بر کرانه باختری نیز تأثیر گذار بوده و بعد از آن شاهد برگزاری یک کنفرانس خبری مشترک میان مسئولان جنبش‌های فتح و حماس بودیم. این اقدام پیام‌های مهمی را در درون خود دارد که یکی از آنها، موضع متحد گروه‌های فلسطینی در برابر نقشه‌های صهیونیست‌ها و مبارزه با مداخلات خارجی برای سوء استفاده از اختلاف نظرها در میان این گروه‌ها است.

جنبش حماس امیدوار است که برگزاری چنین نشست‌هایی به تدوین استراتژی مبارزه با صهیونیست‌ها بیانجامد و باعث شود که شکاف داخلی میان گروه‌های فلسطین از بین برود. این نشست‌ها در تقویت اتحاد فلسطینی‌ها تأثیرگذار است و ما به صورت واضح و آشکار اعلام می‌کنیم که تشکیلات خودگردان فلسطین باید به سمت اجماع ملی



و مبارزات ملی در برابر اشغالگران صهیونیست در داخل کرانه باختری حرکت کند. همچنین اقدامات عملی برای اصلاح سازمان آزادی بخش فلسطین اتخاذ شود. گروه‌های فلسطینی از جمله حماس اقدامات زیادی در راستای تقویت اتحاد داخلی اتخاذ کرده‌اند و اکنون نوبت تشکیلات خودگردان است که در این خصوص اقدامی انجام دهد.

● به نظر شما طرح آمریکایی معامله قرن و یا طرح الحاق در سایه تلاش کشورهای عربی برای عادی سازی روابط با دشمن صهیونیستی به صورت موفقیت آمیزی عملی خواهد شد؟

مسئله فلسطین در یکی از خطرناک‌ترین دوره‌های خود به سر می‌برد به طوری که طرح معامله قرن، پایه‌های اصلی آرمان فلسطین یعنی سرزمین، انسان و مقدسات را هدف قرار داده و دولت آمریکا با تمام رفتارهای قلدرمآبانه خود و استفاده از تمام ابزارهای استکباری‌اش، می‌کوشد دیدگاه خود را که همان دیدگاه صهیونیست‌ها است عملی کند.

در این میان، آمریکایی‌ها به اختلافات میان کشورهای منطقه دامن می‌زنند. ما شاهد وجود اختلافاتی میان کشورهای عربی هستیم که این مسئله موضع کشورهای عربی را در حالت ضعف قرار می‌دهد. علاوه بر آن برخی کشورهای عربی بر عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی مصر هستند و این مسئله در توافقنامه عادی سازی روابط میان امارات و رژیم صهیونیستی کاملاً مشخص است.

تمام این مسائل بیانگر آن است که محیط پیرامون فلسطین، در شرایط خطرناکی به سر می‌برد اما ما مطمئن هستیم که این طرح و نقشه‌ها در نهایت موفقیت‌آمیز نخواهد بود چرا که عاملی به نام ملت فلسطین در برابر آن ایستاده و تاکید دارد که در سرزمین خود باقی بماند. ماهیت پروژه‌های رژیم صهیونیستی، کنار زدن فلسطینی‌ها و به حاشیه راندن آنها و بیرون کردن آنها از سرزمین خود است. فلسطینی‌هایی که هفتاد سال قبل از سرزمین خود بیرون رانده شدند بیش از هر زمان دیگری میل بازگشت به سرزمین خود را دارند. ما در کرانه باختری نیز شاهد وجود یک مقاومت واقعی هستیم گرچه مظاهر بیرونی آن به دلیل شرایط پیچیده این منطقه کمتر به چشم می‌خورد.

در غزه نیز یک مقاومت نظامی واقعی وجود دارد که از تمام امکانات خود برای مقابله با رژیم صهیونیستی بهره می‌برد. این مقاومت می‌تواند حساب و کتاب‌های اشغالگران را زیر و رو کند. تمام امت عربی و اسلامی به دنبال عادی سازی روابط نیستند بلکه ما شاهد وجود یک محور مقاومت در اطراف رژیم صهیونیستی هستیم.

ما ملت‌های عربی بیداری داریم که همچنان معتقد هستند که رژیم صهیونیستی دشمن اصلی امت به شمار می‌رود و باید از بین برود. تا زمانیکه فلسطینی‌ها در میدان حضور دارند و سلاح‌های خود را به سمت دشمن نشانه رفته‌اند این طرح‌ها عملیاتی نخواهد شد.

● واکنش ملت‌های عربی در قبال اقدامات حاکمانشان مبنی بر عادی سازی روابط با دشمن صهیونیستی به چه شکل باید باشد؟

ملت‌های عربی باید مخالفت خود را با عادی سازی روابط با صدای بلند اعلام کنند. آنها باید با برگزاری تظاهرات و فعالیت‌های فرهنگی، علمی و هنری و حتی حضور در فضای مجازی به صورت متحد، اعتراض خود را نسبت به این روند اعلام کنند. باید تمام کسانی که اقدام به عادی سازی روابط با دشمن صهیونیستی می‌کنند از سوی ملت‌ها تحریم شوند.

رسانه‌ها و فرهنگیان نقش مهمی در تحریم کردن این افراد ایفا می‌کنند. همچنین تاجران و بازرگانان باید رژیم صهیونیستی و آمریکا و تمام کشورهایی که روابط خود را با تل آویو عادی می‌کنند تحریم کنند. ملت‌های زنده و بیدار اگر اقدامی انجام دهند می‌توانند بسیار مؤثر و تأثیرگذار باشند. آنها می‌توانند بر دولت‌های خود فشار آورده تا رویه عادی سازی روابط را تغییر دهند.





بن زیاد به دنبال تثبیت ریاست خود بر امارات از طریق نجات ترامپ

و یا شخصی مانند ضاحی خلفان با انتشار پست‌های توییتری، یهودیان را پسر عموهای خود می‌خواهند و مبلغان مزدور برای این خیانت سرپوش دینی تدارک می‌بینند شاهد آن هستیم که این اقدامات تا حد زیادی موفقیت آمیز بوده است. در قبال این توافقنامه چند دسته وجود دارد: کسانی که از آن استقبال کرده اند، کسانی که می‌ترسند نظر خود را بگویند، کسانی که در زندان‌ها هستند و افرادی که مقیم کشورهای خارجی هستند.

● نظر شما در خصوص زمان اعلام این توافقنامه در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا چیست؟

قطعا ترامپ در بسیج کردن افکار عمومی به نفع خود و راضی کردن لابی‌های صهیونیستی فعال در آمریکا از طریق این توافقنامه موفق بوده و این اقدام به مثابه یک تبلیغ انتخاباتی مؤثر برای ترامپ عمل می‌کند. نتانیاهو نیز که با پرونده‌های فساد و تظاهرات علیه خود احاطه شده از این توافقنامه به مثابه برون رفت از بن بست کنونی خود استفاده می‌کند. آنها بن زاید را عامل نجات خود می‌دانند.

● چرا شاهد سکوت کشورهای عربی در قبال این خیانت امارات هستیم؟

نمی‌توانیم بگوییم که شاهد سکوت عربی هستیم بلکه از وجود سیاست‌هایی سخن می‌گوییم که در راستای منافع این کشورها علیه قدس و مقدسات و حقوق فلسطینی‌ها عمل می‌کند. البته برخی کشورها مانند کویت موضع رسمی خود را علیه عادی سازی اعلام کرده اند. در فضای مجازی شاهد آن هستیم که فعالان عمانی، قطری، عراقی، یمنی، تونس، الجزایری، مراکشی... به شدت مخالفت خود را با این اقدام اعلام می‌کنند.

● پیامدهای این توافقنامه بر آرمان فلسطین طی مرحله آتی چه خواهد بود؟

آرمان فلسطین در سایه روند عادی سازی روابط با دشمن صهیونیستی به صورت گسترده ای از سوی کشورهای عربی به حاشیه رانده شده است. برخی کشورهای عربی عمیقاً برای تبدیل کردن آرمان فلسطین از یک مسئله ملی به یک مسئله انسانی صرف تلاش کرده اند. امارات مدعی شده است که از طریق این توافقنامه روند الحاق متوقف شده اما نتانیاهو اعلام کرده که این روند لغو نشده و پروژه‌های شهرک سازی همچنان فعال بوده و معامله قرن نیز اجرا می‌شود.

بنابراین ما از آغاز اجرایی شدن معامله قرن سخن می‌گوییم که به مثابه از بین رفتن آرمان فلسطین و محق جلوه دادن دشمن صهیونیستی با ذوق زدگی کشورهای عربی است. چه بسا در نوار غزه شاهد افزایش جنایات صهیونیست‌ها باشیم؛ منطقه‌ای که تنها نقطه در جهان عرب به شمار می‌رود که همچنان در برابر اشغالگران ایستاده است.



معارض مطرح اماراتی اعلام کرد که ولیعهد ابوظبی از طریق عادی سازی روابط با دشمن صهیونیستی به دنبال محکم کردن جای پای خود در به دست گرفتن قدرت در امارات است.

فاطمه صالحی: این روزها، «خیانت» تبدیل به کلید واژه اصلی توافقنامه میان امارات و رژیم صهیونیستی برای عادی سازی روابط و در حقیقت برای علنی کردن رسمی روابط پشت پرده میان ۲ طرف شده است.

این در حالیست که ملت‌های عربی و جریان‌های آزاده در منطقه و در جهان عرب به شدت مخالفت خود را با چنین اقداماتی که به نفع آمریکا و رژیم صهیونیستی در شرایط کنونی منطقه است اعلام کرده اند.

در همین خصوص مصاحبه‌ای انجام داده ایم با «عبدالله الطویل» معارض مطرح اماراتی که مشروح آن در ادامه می‌آید:

● به نظر شما اهداف امارات از اعلام عادی سازی روابط با دشمن صهیونیستی چیست؟

در ابتدا باید به این نکته اشاره کنم که عادی سازی روابط به مثابه خنجری بر پشت امت عربی و اسلامی و اعطای مشروعیت به اشغالگران از طریق به حاشیه راندن آرمان فلسطین و معامله بر سر مقدسات اسلامی و رقصیدن بر روی خون هزاران شهید و مجروح در نبرد با دشمن صهیونیستی به شمار می‌رود. محمد بن زاید ولیعهد ابوظبی تلاش می‌کند از طریق این توافقنامه ریاست خود را بر امارات طی دوره آتی از رهگذر دوستی با اسرائیل و نجات دادن نتانیاهو و همچنین نجات دادن ترامپ و نزدیکی به دموکرات‌های آمریکایی در صورت سقوط ترامپ تضمین کند. ما دشمنی بن زاید با برخی کشورها و توطئه چینی علیه آنها را فراموش نمی‌کنیم به طوریکه در سایه حضور ترکیه در منطقه و شکست محاصره قطر، امارات باید به فکر دستیابی به یک همپیمان باشد تا از آن حمایت کند.

● احتمال پیروی برخی کشورهای عربی از امارات را در این خصوص چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بدون شک در این مسیر، اقتصاد نقش مهمی ایفا می‌کند به ویژه آنکه شاهد وخیم شدن اوضاع اقتصادی در سایه گسترش ویروس کرونا هستیم. در برخی کشورهای عربی عادی سازی روابط به صورت پنهان در جریان بوده است و سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا دولتهای عربی در اجرای این تصمیمات در سایه مخالفت‌های گسترده مردمی موفق خواهند بود؟

مسئله بعدی این است که توافقنامه امارات و رژیم صهیونیستی محصول شرایط کنونی نیست بلکه زمینه سازی های زیادی برای آن در سطح ملی صورت گرفته و از زمان آغاز بهار عربی و افزایش سرکوب‌ها در امارات و بازداشت معارضین و خریدن رسانه‌ها با پول انجام شده است؛ زمانیکه رسانه‌ها این ادعا را گسترش می‌دهند که فلسطینی‌ها خود، زمین‌هایشان را فروخته اند

عبدالله الطویل
معارض اماراتی



ابراهیم العرادی
مدیر ائتلاف جوانان
انقلاب ۱۴ فوریه
بحرین

حاکمان عرب برای نوکری کاخ سفید مسابقه می دهند

مدیر دفتر سیاسی ائتلاف جوانان انقلاب ۱۴ فوریه بحرین اعلام کرد که حاکمان عرب که به دنبال عادی سازی روابط با صهیونیستها هستند بدون حمایت کاخ سفید، طی یک هفته تاج و تخت خود را از دست می دهند.

فاطمه صالحی: این روزها، «خیانت» تبدیل به کلید واژه اصلی توافقنامه میان امارات و رژیم صهیونیستی برای عادی سازی روابط و در حقیقت برای علنی کردن رسمی روابط پشت پرده میان ۲ طرف شده است.

در حالی که عربستان سعودی بعد از امارات با گشودن حریم هوایی خود در برابر هواپیماهای صهیونیست موافقت کرده است مقامات منامه نیز که در تمام زمینه‌ها دنباله رو ریاض هستند همین کار را انجام داده‌اند. همچنین روز جمعه دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا از عادی سازی روابط میان بحرین و رژیم صهیونیستی خبر داد.

این در حالیست که ملت‌های عربی و جریان‌های آزاده در منطقه و در جهان عرب به شدت مخالفت خود را با چنین اقداماتی که به نفع آمریکا و رژیم صهیونیستی در شرایط کنونی منطقه است اعلام کرده‌اند.

در همین راستا خبرنگار مهر مصاحبه‌ای انجام داده است با «ابراهیم العرادی» مدیر دفتر سیاسی ائتلاف جوانان انقلاب ۱۴ فوریه بحرین که مشروح آن در ادامه می‌آید.

● شاهد آن بودیم که بعد از آنکه عربستان سعودی حریم هوایی خود را در برابر رژیم صهیونیستی برای رسیدن به ابوظبی باز کرد، بحرین نیز همین اقدام را انجام داد. این کشور همچنین به پیروی از امارات، اقدام به عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی کرده است. به نظر شما چرا مقامات منامه در تمام زمینه‌ها دنباله رو ریاض و ابوظبی هستند؟

حاکمان آل خلیفه هیچگاه از زمانی که استعمار انگلیس آنها را بر ملت بحرین مسلط کرد، تصمیم گیرندگان اصلی در کشور نبوده‌اند. حاکمان آل خلیفه و آل سعود و کسانی که در منطقه خلیج فارس حول محور آنها می‌چرخند برای خدمت کردن به رئیس کاخ سفید با یکدیگر رقابت می‌کنند و مهم نیست که این رقابت چه هزینه‌ای برای آنها داشته باشد حتی اگر شرافت و ارزش و دین خود را بر سر آن بفروشند.

موافقت حاکمان رژیم آل خلیفه با عبور هواپیماهای دشمن صهیونیستی از حریم هوایی بحرین بخشی از تقسیم نقش در منطقه عربی به صورت عام و منطقه خلیج فارس به صورت خاص است تا تضمینی برای باقی ماندن آنها در قدرت در طول دوره‌های زمانی مختلف محسوب شود. هدف از این اقدام این است که رژیم صهیونیستی در نهایت بتواند بر منطقه تسلط پیدا کند و حاکمان آل خلیفه ارزان‌ترین مزدوران در این نقشه خیثانه در منطقه به شمار می‌روند.

● روند عادی سازی روابط از سوی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با دشمن صهیونیستی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به نظر شما این اقدام با چه اهدافی صورت می‌گیرد؟

هیچ کشور عربی در حوزه خلیج فارس نیست که از عادی سازی روابط مستثنی باشد بلکه تمام این کشورها مجبور هستند این نقشه آمریکا و رژیم صهیونیستی را بدون هیچ استثنایی عملی کنند و گر نه حمایت آمریکا از تاج و تخت خود را تنها طی یک هفته از دست خواهند داد؛

همانطور که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا به صورت پی در پی بر آن تاکید کرده است.

در سطوح عملی نیز پایتخت‌های کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به جز کویت به دنبال عادی سازی روابط هستند اما زمان اعلام رسمی آن هنوز فرا نرسیده و این زمان را جرد کوشنر داماد ترامپ مشخص خواهد کرد.

● واکنش ملت بحرین به موافقت آل خلیفه با عادی سازی روابط با دشمن صهیونیستی چگونه خواهد بود؟

ملت بحرین از زمان اجداد خود و از آغاز اشغال قدس شریف تا به امروز هیچگاه دست از حمایت از آرمان فلسطین بر نداشته‌اند و ما شهدا و اسرای زیادی در حمایت از این موضع گیری تقدیم کرده‌ایم. ائتلاف جوانان انقلاب ۱۴ فوریه بحرین نیز در این روند سهیم بوده و همچنان، اقدامات مختلفی در داخل بحرین با وجود سرکوب نیروهای امنیتی برای حمایت از فلسطینی‌ها برگزار می‌کند.

در بیروت، لندن و دیگر پایتخت‌های کشورهای جهان برنامه‌هایی در حمایت از آرمان فلسطین برگزار کرده‌ایم و هرگز دست از این حمایت تا زمان آزاد سازی و جب به جب خاک فلسطین از دست رژیم صهیونیستی برنخواهیم داشت.

از زمانی که حاکمان آل خلیفه حاکمیت این کشور را به هر کسی که از راه رسید فروختند، تمام اعتبار خود را نزد ملت بحرین از دست دادند چرا که به نیروهای سعودی «سپر جزیره» و نیروهای اماراتی اجازه دادند تا بحرین را اشغال کنند و سیاست‌های این کشور را در گرو سیاست‌ها و تصمیم گیری های عربستان و امارات قرار دادند. حاکمان این رژیم طغیانگر تبدیل به پلیس کوچکی برای بن سلمان و بن زائد شده‌اند. به فضل خداوند و هوشیاری ملت بحرین خیانت عادی سازی روابط با دشمن صهیونیستی موفقیت آمیز نخواهد بود به ویژه آنکه وظیفه حمایت از آرمان فلسطین و مبارزه با عادی سازی روابط بر گردن یک ملت مشخص نیست بلکه مسئولیت تمام امت اسلامی محسوب می‌شود.





تحولات ایران



تابستان جهنمی آمریکا در سازمان ملل

تسلیماتی علیه ایران یا فعال شدن مکانیسم ماشه، دیگر تا مدت‌ها هیچ قطعنامه تحریم در شورای امنیت سازمان ملل تصویب نخواهد شد، زیرا کشورهای دیگر مثل چین و روسیه همکاری نخواهند کرد.

آمریکا در حالی این برنامه را پیش می‌برد که مدعی بود ایران در حمله به تأسیسات نفتی آرامکو عربستان نقش داشته است. واشنگتن تلاش می‌کند تا بزرگ نمایی در این رابطه اعضای شورای امنیت سازمان ملل را تحمق و با خود همراه کند.

«ایلهان گلدنبرگ» از کارشناسان ارشد و مدیر برنامه امنیت خاورمیانه در مؤسسه «امنیت جدید آمریکایی» در این رابطه گفته بود: دولت ترامپ می‌داند که طرح تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران راه به جایی نمی‌برد، اما آنچه از همه مهم‌تر است این نکته است که این جریان (تلاش برای تمدید تحریم‌ها) روشی است که آنها از طریق آن سعی در فعال کردن مکانیسم ماشه و از بین بردن هر آنچه از برجام باقی مانده هستند. به گزارش مهر، مجموع این تحولات نشان می‌داد که دستان آمریکا در موقعیت فعلی برای تمدید تحریم تسلیحاتی ایران خالی بود.

دست ردهای پی در پی بر سینه آمریکا

در آخرین روزهای مرداد ماه سه کشور اروپایی امضاکننده توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ با ایران (موسوم به برجام) در واکنش به تسلیم درخواست رسمی آمریکا به شورای امنیت برای بازگشت تمام تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران، با صدور یک بیانیه مشترک موضع مخالف خود را نسبت به این اقدام آمریکا آشکارا اعلام کردند.

چین نیز، بار دیگر ادعای واشنگتن را مبنی بر توسل به مکانیسم ماشه، زیر سوال برد و یادآوری کرد که این دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا بود که از توافق جامع هسته‌ای با ایران خارج شد. «ژائو لیجیان» سخنگوی وزارت خارجه چین، یادآوری کرد که آمریکا از هیچ حقی مبنی بر درخواست برای احیای تحریم‌های ضد ایرانی برخوردار نیست.

«ماریا زاخارووا» سخنگوی وزارت خارجه روسیه هم روز پنجشنبه اعلام کرد که تلاش آمریکا برای بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران می‌تواند به بحران عمیقی در شورای امنیت منتهی شود.

سخنگوی وزارت خارجه روسیه در این خصوص گفت: به صورت جدی نگران اقدامات آمریکایی‌ها در این خصوص هستیم؛ زیرا این اقدامات بی‌محاسبه ممکن است به بحران عمیقی در شورای امنیت منجر شود؛ لذا از همه کشورها می‌خواهیم تا در برابر آن مقاومت کنند.

روزهای ۲۹ و ۳۰ شهریور صحنه جدال دیپلماتیک آمریکا با کشورهای باقی مانده در برجام بود و شاید بتوان گفت صحبت‌های «گوتزش» همانند آب سردی بود که در تابستانی جهنمی روی «ترامپ» ریخته شد.

عبدالحمید بیاتی: شاید به جرأت بتوان گفت اولین بار است که در سازمان ملل، آمریکا همه توان خود را برای انجام کاری آن‌هم در چند نوبت بکار می‌گیرد اما نمی‌تواند به هدف خود برسد. ماجرا از جایی آغاز شد که بر اساس مندرجات برجام تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل علیه ایران در روز ۳۰ شهریور به پایان می‌رسید از همین رو آمریکا از چند ماه قبل تمام توان خود را به کار گرفت تا از هر طریق ممکن تحریم‌های تسلیحاتی ایران را تمدید کند.

۲ پیش‌نویس و دو شکست

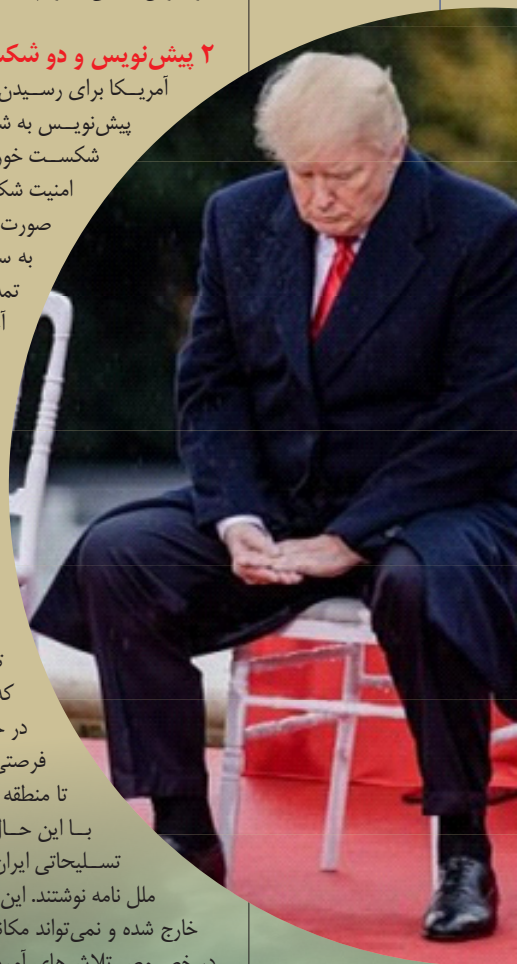
آمریکا برای رسیدن به این هدف در مرداد ماه سال جاری دو پیش‌نویس به شورای امنیت ارائه کرد که هر دو مورد شکست خورد. این دو پیش‌نویس در حالی در شورای امنیت شکست خوردند که آمریکا تهدید کرده بود در صورت رأی نیاوردن پیش‌نویس‌های مورد نظرش به سراغ فعال کردن مکانیسم ماشه می‌رود.

تمدید تحریم تسلیحاتی ایران به عبارتی آخرین ستون باقی مانده در برجام را نیز فرو می‌ریزند از همین رو اروپایی‌ها که در مقام عمل برای زنده نگه داشتن برجام اقدامی نکرده بودند می‌بایست سخنان خود را در دفاع از برجام به مقام عمل نزدیک‌تر می‌کردند.

این وضعیت در حالی بود که «برایان هوک» مسئول مستعفی امور ایران در وزارت خارجه آمریکا روز ۲۰ خرداد با اشاره به تلاش‌های آمریکا برای تمدید تحریم تسلیحاتی ایران مدعی شده بود که ایران در خط مقدم تأمین مالی تروریسم در جهان است و لغو تحریم‌های تسلیحاتی فرصتی برای جمهوری اسلامی پدید خواهد آورد تا منطقه را بی‌ثبات کند.

با این حال، چین و روسیه با تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران مخالف بودند و در این زمینه به سازمان ملل نامه نوشتند. این دو کشور عقیده داشتند که آمریکا از برجام خارج شده و نمی‌تواند مکانیسم ماشه را فعال کند.

در خصوص تلاش‌های آمریکا برای تمدید تحریم‌های ایران، «ریچارد نفیو» عضو تیم مذاکره کننده هسته‌ای آمریکا که در مذاکرات منجر به برجام نقش داشت، گفته بود: [این اقدام واشنگتن] برای مخالفان برجام و کسانی که سازمان ملل را دوست ندارند، فرصتی طلایی است که با یک سنگ دو نشان بزنند. در بدترین حالت، برجام از بین می‌رود و سازمان ملل مهجور و خنثی می‌شود. در صورت تمدید تحریم





تسلیماتی از سر گرفته شده است.

به ادعای وی، تحریم‌ها متعاقب فرایند اسنپ‌بک ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، بازگشته‌اند و آمریکا در تاریخ بیستم آگوست، به رئیس شورای امنیت درباره بی توجهی ایران به تعهدات برجامی خود اطلاع داده است.

در واکنش به این ادعا، «دیمیتری پوپیانسکی» معاون نماینده روسیه در سازمان ملل گفت: به نظر می‌آید ایالات متحده با تحمیل اراده خودخواهانه خود بر دیگران، بر تضعیف قوانین بین‌المللی اصرار دارد. آیا «نظم بین‌الملل قاعده‌محوری» که همکاران آمریکایی‌مان شدیداً از آن حمایت می‌کنند این است و در آن جمعی محدود از کشورها قواعد را تعیین می‌کنند.

وی افزود: اینکه می‌بینیم یک کشور بزرگ اینگونه خود را تحقیر می‌کند و با هذیان‌گویی لجوجانه با دیگر اعضای شورای امنیت سازمان ملل مخالفت می‌کند، بسیار دردآور است. سایر اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد ماه گذشته به صراحت اعلام کردند که ادعای ایالات متحده درباره فعال شدن مکانیسم ماشه غیرقانونی است. آیا واشنگتن نمی‌شنود؟

بُرد دیپلماتیک

شاید بدون اغراق بتوان گفت که آمریکا تاکنون چنین شکستی را در سازمان ملل تجربه نکرده بود. برجام هر چند تاکنون نتوانسته از لحاظ اقتصادی منفعی را برای ایران به بار بیاورد اما از لحاظ سیاسی و دیپلماتیک موجب انزوای آمریکا شده است. البته در این میان نباید چشم را بر حقیقت بست و عدم همراهی شایسته کشورهای باقی مانده در برجام با ایران را نادیده گرفت. کشورهایی که به بهانه ترس از واکنش آمریکا مراودات اقتصادی خود با تهران را یا متوقف کرده و یا آن را به پائین‌ترین سطح رسانده‌اند.

در چنین وضعیتی لازم است سیاستگذاران در داخل ایران فرصت به وجود آمده از لغو تحریم‌های تسلیماتی را به گونه‌ای مدیریت کنند که امکان سو استفاده از آن برای کشورهای باقی مانده در برجام میسر نباشد تا شاید از این طریق اندکی از بدعهدی‌های طرف‌های برجام پاسخ داده شود.

آخرین سنگر

فرصت باقی مانده از ابتدای شهریور تا پایان این ماه شاید آخرین سنگر برای آمریکا بود تا بتواند حرف غیرمنطقی و غیر قانونی خود را علیه ایران در شورای امنیت به کرسی بنشاند.

اما در تاریخ ۲۷ شهریور ماه آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد در واکنش به لفاظی‌های «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا علیه برجام و ادعای او مبنی بر احیا تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران ظرف یک هفته آتی، یادآوری کرد که تفسیر قطعنامه ۲۲۳۱ برعهده شورای امنیت است.

پمپئو مدعی شده بود: این هفته به سازمان ملل می‌رویم تا با بازاعمال تحریم‌ها علیه ایران، محدودیت‌های تسلیماتی این کشور دائمی شود. در پاسخ به این ادعا بود که گوترش خطاب به پمپئو گفت: ما مطابق با آنچه که شورای امنیت انجام می‌دهد: عمل خواهیم کرد.

در تاریخ ۲۹ شهریور نیز سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه (تروئیکای اروپا) در نامه‌ای به شورای امنیت بر تداوم تعلیق تحریم‌های ایران پس از تاریخ ۲۰ سپتامبر تاکید کردند.

سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه در نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کردند که به توافق هسته‌ای با ایران موسوم به برجام پایبند هستند و تعلیق تحریم‌های ایران پس از ۲۰ سپتامبر هم همچنان ادامه خواهد داشت.

این سه کشور اروپایی در عین حال هرگونه تصمیم یا اقدام برای احیای تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را فاقد وجاهت قانونی دانستند. «نیکلا دو ریور» نماینده فرانسه در سازمان ملل، نیز با انتشار توثیقی به ادعای «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا مبنی بر فعال شدن مکانیسم ماشه علیه ایران واکنش نشان داد.

وی در این توثیق که از سوی دفتر نمایندگی فرانسه در سازمان ملل بازنشر داده شد؛ نوشت: طرفین اروپایی برجام به اجرای کامل آن متعهد باقی می‌مانند. امروز، لغو تحریم‌های ایران همچنان ادامه دارد و ایران هم در باب اجرای الزاماتش، پاسخگو می‌ماند.

آب سرد گوترش بر پیکر ترامپ

اما آنچه بیش از همه در این میان اهمیت داشت صحبت‌هایی بود که «آنتونیو گوترش» دبیرکل سازمان ملل متحد در روز ۳۰ شهریور ایراد کرد و عنوان داشت که نمی‌تواند هیچ اقدامی در واکنش به ادعای آمریکا مبنی بر بازگشت تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران انجام دهد چرا که ظاهراً در باب این مسئله عدم قطعیتی (بالاترین) وجود دارد.

وی خطاب به شورای امنیت و در تکمیل اظهارات خود افزود: درباره اینکه آیا روند (اسنپ بک) آغاز شده و به دنبال آن لغو تحریم‌ها ادامه می‌یابد یا خیر، عدم قطعیت وجود دارد.

گوترش ادامه داد: دبیرکل سازمان ملل نمی‌تواند طوری رفتار کند که انگار چنین عدم قطعیتی وجود ندارد.

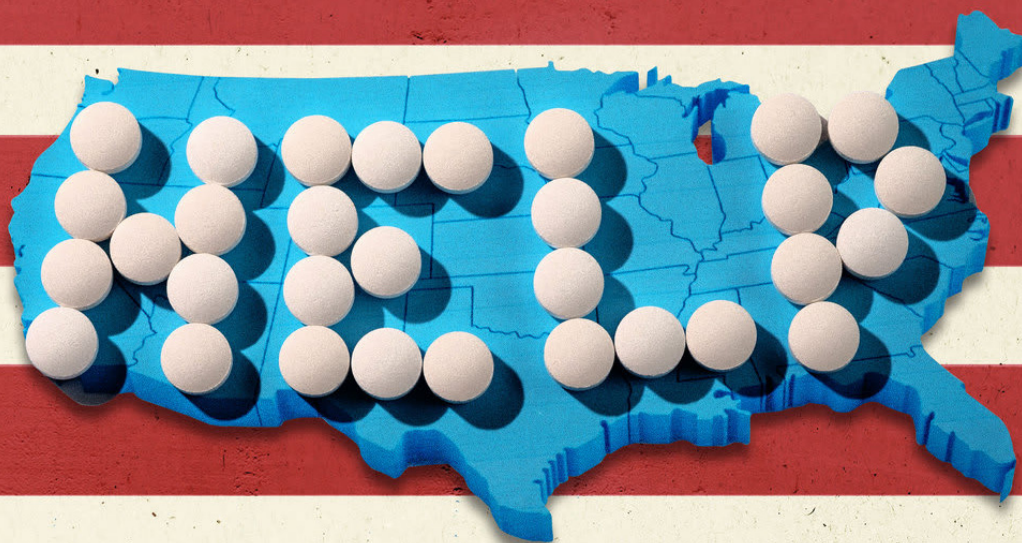
به گزارش مهر، مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا بامداد یکشنبه مدعی شد که تمام تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه ایران از جمله تحریم‌های





داریل کیمبال
رئیس مؤسسه کنترل
سلاح آمریکا

تحریم شرکتهای مرتبط با ایران موجب انزوای بیشتر آمریکا می شود



رئیس مؤسسه کنترل سلاح آمریکا می گوید واشنگتن بعد از شکست امروز در شورای امنیت، اگر بخواهد از تحریم های ثانویه علیه شرکت های طرف قرارداد با ایران استفاده کند موجب انزوای بیشتر خود می شود.

عبدالحمید بیاتی: شاید بتوان گفت روز ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۰ (۳۰ شهریور ۱۳۹۹) تلخ ترین روز برای آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل بود.

روزی که در آن دبیر کل سازمان ملل تلاش های چند ماهه آمریکا برای تمدید تحریم های ایران و فعال کردن مکانیسم ماشه را بی اثر کرد و همپیمانان اروپایی واشنگتن نیز در حمایت از ایران بیانیهای را صادر کردند.

«آنتونیو گوترش» دبیرکل سازمان ملل متحد در روز ۳۰ شهریور اعلام کرد که نمی تواند هیچ اقدامی در واکنش به ادعای آمریکا مبنی بر بازگشت تحریم های بین المللی علیه ایران انجام دهد چرا که ظاهراً در باب این مسئله عدم قطعیت (بالاترکی) وجود دارد.

وی خطاب به شورای امنیت و در تکمیل اظهارات خود افزود: درباره اینکه آیا روند (اسنپ) (بک) آغاز شده و به دنبال آن لغو تحریم ها ادامه می یابد یا خیر، عدم قطعیت وجود دارد. گوترش ادامه داد: دبیرکل سازمان ملل نمی تواند طوری رفتار کند که انگار چنین عدم قطعیتی وجود ندارد.

به گزارش مهر، مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا با مداد یکشنبه مدعی شد که تمام تحریم های سازمان ملل متحد علیه ایران از جمله تحریم های تسلیحاتی از سر گرفته شده است.

به ادعای وی، تحریم ها متعاقب فرایند اسنپ بک ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، بازگشته اند و آمریکا در تاریخ بیستم آگوست، به رئیس شورای امنیت درباره بی توجهی ایران به تعهدات برجامی خود اطلاع داده است.

از سوی دیگر «جوزف بورل» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، با انتشار بیانیهای ادعای آمریکا مبنی بر از سرگیری تحریم های سازمان ملل علیه ایران را رد و تصریح کرد که تعهدات طرف های باقی مانده در این توافق به رفع تحریم ها ادامه دارد.

بورل با اشاره به بیانه ۳۰ مرداد اتحادیه اروپا در همین رابطه یادآور شد که با صدور فرمان رئیس جمهوری آمریکا در تاریخ ۸ می سال ۲۰۱۸ میلادی، این کشور به صورت یکجانبه از برجام خارج شد و متعاقباً در هیچیک از فعالیت های مرتبط با این توافق مشارکت نکرد.

همچنین سه کشور اروپایی حاضر در برجام با صدور بیانیهای از شکست آمریکا در فعال کردن مکانیسم ماشه خبر دادند.

آنچه مشخص است آمریکا با این شکست دشمنی با ایران را رها نمی کند، برای تشریح برنامه آتی کاخ سفید در برابر ایران به سراغ «داریل کیمبال» رئیس مؤسسه کنترل سلاح آمریکا رفتیم.

کیمبال از سال ۲۰۰۱ تا کنون مدیر اجرایی انجمن تحقیقاتی کنترل سلاح آمریکاست و در سال ۲۰۰۴ میلادی توسط نشنال ژورنال به عنوان یکی از ۱۰ چهره تأثیرگذاری که نظریات آنها به شکل گیری سیاست های آتی در مورد آینده تسلیحات هسته ای کمک می کند معرفی شده است.

وی در پاسخ به این پرسش که گام بعدی آمریکا علیه ایران با توجه به شکست این کشور در شورای امنیت برای فعال کردن مکانیسم ماشه چه خواهد بود؟ گفت:

برای همه روشن است که دولت ترامپ در می ۲۰۱۸ برای خروج خود از برجام را اعلام کرد و این در حالی بود که ایران به روشنی به تعهدات خود در این توافق پایبند بود. اکنون دیگر آمریکا عضو از این توافق نیست و هیچ جایگاه قانونی در آن ندارد تا بتواند بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل خواستار بازگشت تحریم های ایران شود.

قطعنامه ۲۲۳۱ قطعنامه ای است که در سال ۲۰۱۵ برای تأیید برجام در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید.

کیمبال در ادامه گفت: من کاملاً انتظار دارم که سایر طرف های برجام و طیف گسترده ای از سایر کشورهای جهان که تابع قانون هستند اقدام یک جانبه و «تفسیر دلخواه» آمریکا از حق خود در «اسنپ بک» و بازگرداندن تحریم های سازمان ملل علیه ایران را نادیده بگیرند. هر چند که انتظار می رود دولت ترامپ سعی کند با تحریم های ثانویه کشورها و شرکت هایی که دنبال معامله با ایران هستند را مورد تهدید تجاری قرار دهد که البته این کار موجب انزوای بیشتر آمریکا در جهان در شرایط کنونی می شود.

کیمبال در پایان اعلام کرد: مهم است که در هفته های آینده تمامی کشورهای حاضر در برجام حمایت خود را این توافق اعلام کنند. در مورد ایران نیز این کشور تعهد خود را به پیمان NPT اعلام کرده و تمایل خود را یکبار دیگر برای بازگرداندن فعالیت هسته ای خود به نقطه مندرج در برجام در صورت بازگشت آمریکا به این توافق و برداشته شدن تحریم هایی که از سال ۲۰۱۸ علیه تهران اعمال شده، اعلام کند



فارغ لوغ اوغلو معاون
حزب جمهوری خلق
ترکیه

شکست آمریکا در شورای امنیت قابل پیش بینی بود

انگیزه دوم، آوردن دلایل بهتر برای ادامه تحریم‌های دوجانبه ایالات متحده است. نهایتاً، انگیزه آخر ممکن است بخشی از تلاش کلی آمریکا باشد که به تنهایی برای منزوی کردن ایران در خاورمیانه تلاش می‌کند و با این تفکر اشتباه، تصور می‌کند که توافقنامه امارات و اسرائیل موفقیت بزرگی برای پیشبرد اهدافش می‌باشد.

● **آیا چنین اقدامات یک جانبه ای می‌تواند نقش شورای امنیت سازمان ملل را در حفظ صلح در جهان تضعیف کند؟**
من اعتقاد ندارم که اقدام ایالات متحده هر چند محدود بتواند بر عملکرد شورای امنیت تأثیر گذارد. ما بارها و بارها شاهد بودیم که هر یک از ۵ عضو دائمی شورای امنیت، اقدام به وتوی رای شورای امنیت کرده‌اند. من فکر می‌کنم دولت ترامپ می‌خواهد به مردم آمریکا این موضوع را القا کند که سازمان ملل متحد خوب نبوده و به نفع منافع آمریکا نیست. ترامپ ممکن است این‌طور تصور کند که به دست گرفتن سازمان ملل متحد ممکن است به او در انتخابات نوامبر کمک کند.

● **بسیاری از کارشناسان مانند «ریچارد هاس» رئیس شورای روابط خارجی آمریکا، بر این باورند که سیاست خارجی ترامپ، آمریکا را منزوی کرده است. نظر شما در این مورد چیست؟**

من با ریچارد هاس موافقم. اما این فقط سیاست خارجی نیست، بلکه رفتار کلی داخلی و بین المللی دولت ترامپ است که ایده «آمریکن اکسپشنالیسم» یا همان «استثنائگرایی آمریکا» را فرو ریخته است. نظام آمریکا تحت ریاست جمهوری ترامپ با چالش جدی روبرو است. دولت ترامپ با سازمان ملل، ناتو، اتحادیه اروپا، یونسکو، سازمان بهداشت جهانی و بسیاری از کشورها به طور جداگانه و از جمله آلمان در شرایط بدی از نظر روابط قرار دارد. سیاست خارجی ترامپ مبتنی بر منافع رژیم اسرائیل است. این مبنا برای یک سیاست خارجی درست و جامع کافی نیست.

«فاروق لوغ اوغلو» گفت: آمریکا انگیزه‌های متعددی برای پیش بردن موضوع ایران برای بار دوم در شورای امنیت داشت.

بیمان یزدانی: پس از شکست مفتضحانه آمریکا در تمدید تحریم تسلیحاتی ایران در شورای امنیت، این کشور با تفسیری غیر حقوقی که مورد توافق جامعه بین المللی از جمله متحدان اروپایی این کشور نیست خود را «مشارکت کننده» در برجام خوانده بود و بر این اساس خواستار فعال سازی مکانیسم ماشه جهت بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران شده بود.

این درخواست آمریکا بلافاصله از سوی ۱۳ عضو شورای امنیت و طی نامه‌هایی به رئیس ادواری شورای امنیت (کشور اندونزی) رد شد. از سوی دیگر رئیس شورای امنیت نیز از عدم اجماع در خصوص این موضوع خبر داد که شکستی دیگر برای آمریکا به شمار می‌رود. خبرنگار مهر در گفتگو با دکتر «عثمان فاروق لوغ اوغلو»، معاون حزب جمهوری خلق ترکیه به بررسی این موضوع پرداخته است.

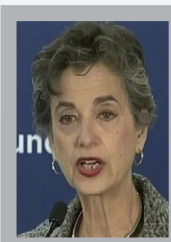
● **با وجود مخالفت متفق القول دیگر اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد و با توجه به اینکه آمریکا قبلاً برجام را ترک کرده است، شما این اقدام آمریکا برای اعمال مجدد تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را با فعال کردن مکانیسم ماشه چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

از همان ابتدا مشخص بود که آمریکا فاقد هرگونه مبنای حقوقی برای درخواست احیای فوری تحریم‌های ایران و پشتیبانی لازم برای تصویب آن می‌باشد. پس چرا ایالات متحده برای بار دوم این موضوع را در شورای امنیت پیش برد؟ ممکن است حداقل سه انگیزه برای این کار وجود داشته باشد: یکی از انگیزه‌ها می‌تواند این باشد که آمریکا درصدد ساختن پرونده‌ای علیه سازمان مللی است که دولت ترامپ هیچ وقت از آن راضی نبوده است. پرونده‌ای برای توجیه چالش نهایی آمریکا برای سیستم سازمان ملل.





تهدیدهای ترامپ تو خالی هستند



باربارا اسلاوین
رئیس بخش ایران
شورای آتلانتیک
آمریکا

رئیس بخش ایران شورای آتلانتیک آمریکا، معتقد است تهدیدهای جدید کاخ سفید برای اعمال تحریم علیه جمهوری اسلامی تو خالی هستند.

عبدالحمید بیاتی: با شکست آمریکا در شورای امنیت برای فعال کردن مکانیسم ماشه علیه ایران و بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی، کاخ سفید اعلام کرد که امروز دوشنبه تحریم‌های جدیدی را وضع می‌کند تا از تجارت تسلیحاتی کشورهای مختلف با تهران جلوگیری کند.

رویترز با اعلام این مطلب به نقل از یک مقام ارشد در دولت آمریکا از تحریم تعدادی از مقام‌های ایرانی و سازمان‌های مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای، موشکی و تسلیحاتی ایران در روز دوشنبه خبر داد و بدون نام بردن از این مقام ارشد آمریکایی نوشت: تحریم شدگانی که نامشان دوشنبه اعلام می‌شود، در طرح‌های موشکی، هسته‌ای و تسلیحاتی ایران فعال هستند و بعضی از فهرست شدگان پیش از این نیز از سوی آمریکا تحریم شده‌اند.

بر این اساس، دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، همچنین یک فرمان اجرایی صادر خواهد کرد که بر مجازات معامله کنندگان تسلیحات متعارف با ایران تأکید خواهد کرد. اما «پیتر هارل» که در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما از کارشناسان تحریم در وزارت امور خارجه آمریکا بوده است، از تحریم‌های تازه به عنوان «یک مانور دیپلماتیک و هشدار» نام برده و به رویترز گفت: هدف از این کار نشان دادن عزم دونالد ترامپ است ولی این اقدام نمی‌تواند مانع از معاملات احتمالی تسلیحاتی دیگر کشورها با ایران شود.

به گفته هارل، بیشتر بازیگران تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سوم نوامبر (سیزدهم آبان) صبر می‌کنند تا ببینند آیا دولت تغییر می‌کند یا خیر؟

برای تحلیل بهتر این مسئله خبرنگار مهر پرسشی را از «باربارا اسلاوین» رئیس گروه ایران در اندیشکده شورای آتلانتیک آمریکا مطرح کرد.

«اسلاوین» روزنامه نگار مشهور آمریکایی و عضو ارشد شورای آتلانتیک است. او در حال حاضر، با رسانه‌های معتبری همچون واشنگتن پست و المانیور همکاری دارد، اسلاوین که تاکنون ۹ بار به ایران سفر کرده، در سال ۲۰۰۷، کتابی تحت عنوان «ایران، آمریکا و راه ماریچ به سوی درگیری»، منتشر کرد.

وی در پاسخ به این پرسش که، رویکرد آتی آمریکا در قبال ایران بعد از ناکامی در شورای

امنیت برای فعال کردن مکانیسم ماشه چه خواهد بود؟ گفت: دولت ترامپ اعلام کرده هر شرکتی را که به ایران سلاح بفروشد تحریم می‌کند. با این وجود من تردید دارم که تا تاریخ سوم نوامبر (۱۳ آبان) یعنی زمان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا چنین معامله‌ای انجام شود و حتی ممکن است تا تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۱ یعنی زمان تحلیف ریاست جمهوری آمریکا نیز چنین اتفاقی رخ ندهد. بنابراین این تهدیدها تو خالی هستند.

وی در ادامه به مخالفت اعضای شورای امنیت سازمان ملل با خواست آمریکا برای فعال کردن مکانیسم ماشه اشاره کرد و افزود: مهمتر از موارد ذکر شده این مطلب است که تقریباً تمامی جامعه جهانی ادعای آمریکا مبنی بر اینکه حق دارد با اسنپ یک تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را بازگرداند رد کردند و این یکی از چندین لحظه شرم آور برای کشور من بود.

اسلاوین پیشتر نیز در مصاحبه دیگری با خبرگزاری مهر، در پاسخ به پرسشی درباره اینکه «اگر دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا پیروز شود رویکرد وی در قبال ایران به چه صورت خواهد بود؟» گفته بود: فکر می‌کنم شانس پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر آمریکا خیلی کم باشد. با این وجود؛ اما اگر او در این رقابت پیروز شود به احتمال زیاد در دوره دوم ریاست جمهوری خود انعطاف پذیری بیشتری درباره مسائل ایران خواهد داشت.





آنتونی کارتالوچی
تحلیلگر آمریکایی

چین و روسیه اهداف بعدی واشنگتن در صورت پیروزی آمریکا علیه ایران



واشنگتن در شورای امنیت سازمان ملل دقیقاً به همین دلیل است که این کشور اقداماتی یک جانبه‌گرایانه را برای پیشبرد سیاست خارجی خود در برابر ایران دنبال کرده است.

• چگونه آمریکا می‌تواند اعضای شورا را به حمایت از خواسته‌های نامشروع خود وادار کند؟

ایالات متحده از ابزارهای مختلفی برای تهدید و تحمیل ملت‌های سراسر جهان برای تسلیم در برابر خواسته‌های غیرقانونی خود استفاده می‌کند. جنگ تجاری کنونی این کشور با چین که به نظر می‌رسد منجر به یک جنگ واقعی شده از جمله این موارد است و یکی از اهداف آن نیز وادار کردن پکن به عقب نشینی از موضع خود نسبت به ایران در برابر آمریکا است.

من فکر می‌کنم که هم چین و هم روسیه می‌دانند که اگر ایالات متحده در کارزار خود علیه ایران موفق باشد، در آینده قطعاً آن دو کشور را مورد هدف بعدی خود قرار خواهد داد.

• چرا ترامپ ماه‌ها قبل از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ روی مسئله ایران تمرکز کرده است؟

خواه ترامپ در انتخابات آینده پیروز شود و خواه ببازد، فشار حداکثری علیه ایران ادامه خواهد یافت و ایران به همراه متحدانش باید با چنین اقدامات خودسرانه آمریکا مقابله کند.

ترامپ حتی پیش از ریاست جمهوری، به دنبال «پایان دادن به توافق هسته‌ای ایران» بود. هنگامی که به حلقه سیاست خارجی آمریکا می‌نگریم، متوجه می‌شویم که تمام رئیس‌جمهورهای این کشور در نهایت یک رویکرد را در برابر ایران اتخاذ می‌کنند. درست مانند اوایل سال ۲۰۰۹ که موسسه بروکینگز سیاست «کدام راه به سرزمین پارس می‌رسد؟» را معرفی کرد، که طی آن آمریکایی‌ها سعی داشتند با ایجاد یک توافق با ایران و سپس خروج از آن خود را حین اعمال فشارهای شدید علیه جمهوری اسلامی منطقی جلوه دهند.

باراک اوباما رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده و ترامپ صرفاً نقش خود را در این بازی ایفا می‌کنند؛ «ایجاد توافق نامه» بر عهده اوباما بود و خروج از آن بر عهده ترامپ.

آمریکا حتی قبل از آنکه نمایندگان آمریکا با هم‌تایان ایرانی خود برای امضای آن بنشینند، تصمیمی برای احترام به آن نداشت.

خواه ترامپ در انتخابات پیش رو پیروز شود و خواه شکست بخورد، فشار حداکثری بر ایران ادامه خواهد یافت و ایران به همراه متحدانش

مجبورند بدون امید به کمترین حسن نیت از سوی واشنگتن، به صورت عملگراییانه با تجاوزات آمریکا مقابله کنند.

کارشناس آمریکایی مسائل ژئوپلیتیک معتقد است پیروزی ایالات متحده در اعمال خواسته‌های یکجانبه خود علیه ایران، چین و روسیه را به اهداف بعدی این کشور تبدیل خواهد کرد.

زهرای میرزافز جویان: بر اساس توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ که ایران با شش کشور بزرگ از جمله انگلستان، چین، فرانسه، آلمان، روسیه و ایالات متحده منعقد کرد، تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل متحد در ۱۸ اکتبر سال جاری به پایان خواهد رسید.

اما از ماه‌ها قبل از موعد مقرر، ایالات متحده آمریکا با فشارهای متعدد سعی بر تمدید این تحریم‌ها علیه ایران داشت؛ هرچند، کلیه اعضای شورای امنیت به استثنای آمریکا و یک کشور دیگر، در جلسه ۱۴ آگوست رسماً اعلام کردند که این اقدام واشنگتن را به رسمیت نمی‌شناسند.

اما دولت دونالد ترامپ در راستای ادامه اقدامات یکجانبه خود ادعا کرد به وسیله مکانیسم ماشه درون برجام تمامی تحریم‌های بین‌المللی را از ۲۰ سپتامبر علیه ایران دوباره به اجرا در خواهد آورد.

این در حالی است که تمامی طرف‌های عضو برجام به شکل متفق القول این ادعا را باطل دانسته‌اند، چرا که واشنگتن دو سال قبل با خروج یکجانبه خود از توافق هسته‌ای تمامی حق و حقوق خود نسبت به آن را از دست داد.

اکنون، شورای امنیت دوباره در معرض یک آزمایش مهم قرار گرفته است؛ ایستادگی در برابر قلدری آمریکا، یا دفاع از حقوق قانونی و بین‌المللی کشورها.

برای روشن‌تر شدن بیشتر زوایا و اهداف پشت پرده آمریکا از این اقدامات خودسرانه، خبرنگار مهر گفتگویی با «آنتونی کارتالوچی» محقق مسائل ژئوپلیتیک مستقر در بانکوک داشته است.

متن کامل این مصاحبه در ادامه آمده است:

• آیا ادعای ترامپ برای فعالسازی مکانیسم ماشه یک اقدام قانونی است؟

«قانونی بودن» حرکت دونالد ترامپ در آمریکا امری نسبی است. از نظر بین‌المللی، این امر کاملاً غیرقانونی است؛ عملاً هر جنبه‌ای از سیاست خارجی ایالات متحده خصوصاً در مورد ایران چنین بوده است.

ایالات متحده با این رفتار در پی تحمیل یک جنگ طولانی مدت علیه ایران با شعار تغییر حکومت است؛ درست همان چیزی که در عراق، افغانستان و لیبی شاهد بودیم. این مداخلات قبلی آمریکا نیز کاملاً غیرقانونی بوده‌اند.

• آیا اعضای دیگر شورای امنیت از تصمیم ایالات متحده پشتیبانی می‌کنند یا اینکه ایالات متحده بار دیگر در برجام شکست خواهد خورد؟

حمایت روسیه و چین از اقدامات ضد ایرانی آمریکا بسیار نامحتمل است. شکست مکرر

مجله بین الملل مهر



 mehrnewsar
MehrnewsEn

 mehrnewsarabic
MehrnewsCom

 ar.mehrnews